

فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم

شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۳

کارکرد زبان شناسی در عملیات روانی

سید اسماعیل افتخاری

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

تاریخ دریافت مقاله : ۸۳/۲/۵

تاریخ تأیید مقاله : ۸۳/۳/۲۳

صفحات مقاله : ۷-۴۴

چکیده

نقش زبان به عنوان یکی از پایه‌های اصلی عملیات روانی بسیار وسیع است و استفاده از آن در اشکال مختلف عملیات روانی کاربرد ویژه‌ای دارد. به همین علت کاربرد زبان به عنوان یک ابزار عملیاتی با قابلیت‌های هجومی و دفاعی دور از انتظار نیست. کلام انسان (مکتوب و غیرمکتوب) حاوی مجموعه‌ای از ریزترین یا کلی‌ترین رگه‌های معنایی است که برآمده از ذهن و احساس اوست. این مضامین باهدف برقراری ارتباط بر زبان جاری می‌شود و بر فکر و روح مخاطب می‌نشیند. حدفاصل میان زبان و روان انسان، همان محدوده‌ای است که پرداختن به آن، راه را برای استفاده بهینه از این ابزار در عرصه‌های عملیاتی فراهم می‌سازد. در این مقاله کارکردهای زبان در عملیات روانی با اتکا بر یافته‌های زبان شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد.

* * * * *

کلید واژگان

زبان شناسی، عملیات روانی، روان شناسی، زبان، جنگ روانی، معناشناسی.

E-mail : AS Eftekhari@yahoo.com

الف) مقدمه

۱- بیان موضوع

پیشرفت سریع فناوری ارتباطات از دهه ۱۹۷۰ میلادی شرایطی را در جهان ایجاد نمود که کاربرد زبان را در عملیات روانی به شدت توسعه بخشید. استفاده فزاینده از قابلیت‌های خارق‌العاده عملیات روانی با تکیه بر علوم مرتبط از ویژگی‌های نبردهای امروزی است. بنا بر پژوهش‌های گسترده توماس جنی (Thomas Jenny A) امروزه زبان‌شناسی کاربردی (Applied Linguistics) که خود برخاسته از زبان‌شناسی نظری است؛ بیش از پیش نقش مؤثر خود را در چرخه عملیات روانی به نمایش می‌گذارد. (Jenny, 1995, 13) بررسی دقیق زبان، پژوهش‌گر زبان‌شناس را خواه‌ناخواه به سوی مرزهای دیگر علوم مانند روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، ادبیات، فرهنگ و هنر سوق می‌دهد و تردیدی نیست که ره‌آورد چنین جستجویی بسیار غنی‌تر از آن خواهد بود که زبان‌شناس تنها در دایره زبان‌شناسی به کند و کاو بپردازد. (Chomsky, 1977, 43)

در روان‌شناسی زبان از دیرباز، رابطه زبان با فکر و ذهن انسان مطرح بوده است. در انسان کنش‌ها و واکنش‌های ذهنی بسیار مجردی وجود دارد که در اکتساب و پرورش آنها زبان به صورت گوناگون دخالت دارد. ادراک، احساس یا فکر پدید آمده پس از دریافت یک پیام و سپس تجسم بخشی واکنش اندیشه در قالب زبانی، محل برخورد دو علم زبان‌شناسی و روان‌شناسی است؛ گرچه این نگرش با روان‌شناسی تجربی اسکینر و پیازه تفاوت‌هایی دارد. با توجه به نقش مستقیم و اجتناب‌ناپذیر زبان در تقابل روانی، بدیهی است که طراحان عملیات روانی پیش از اشراف کامل بر مفاهیم نظری و کاربردی موجود در این محدوده قادر به برنامه‌ریزی دقیق و موفق نخواهند بود. امروزه با استفاده از داده‌های علم زبان‌شناسی و کاربردی کردن روشهای موجود در بخش روان‌شناسی زبان می‌توان هجوم و دفاع روانی را در حوزه‌های نظامی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیار موفق‌تر از گذشته طراحی و اجرا نمود. در نبرد نامتقارن به موازات سایر جهش‌های نظامی، خروج از هنجارهای مرسوم عملیات روانی و نوآوری و ابتکار عمل دور از انتظار نیست. جنگ جهانی سوم به شیوه ایدئولوژیکی شروع شده است و اطمینانی وجود ندارد که در این جنگ نیز پیروز شویم... کاملاً واضح است که در این نبرد اندیشه‌ها مهم‌ترین اسلحه، زرادخانه توانایی و مهارت در زبان‌ها و زبان‌شناسی است. (Graves, 1951, 44)

۲- پرسش اصلی

این مقاله درصدد یافتن پاسخ این پرسش است که زبان‌شناسی چگونه و با چه ابزار و روش‌هایی در عملیات روانی به ایفای نقش می‌پردازد. بررسی ماهیت و چگونگی کارکرد زبان در عملیات روانی و تحلیل جایگاه کاربردی علم زبان‌شناسی در این حوزه، سؤال اصلی این مقاله است. در این راستا درک این نکته بسیار راهگشاست که زبان به عنوان یک ابزار ارتباطی چگونه در چرخه اطلاع‌رسانی، قادر است با شیوه‌های منحصر به فرد و مخصوص به خود، کارکرد زبان را در انتقال، استدلال، تفهیم و درک پیام، تعیین و تنظیم نماید.

۳- فرضیه اصلی

بیان مافی‌الضمیر انسان بیش از همه از طریق زبان ممکن می‌گردد و نفوذ در ذهن و احساس وی نیز قبل از هر وسیله از دریچه زبان میسر خواهد شد. این مقاله مدعی نقشمندی ویژه زبان در عملیات روانی است که از طریق سازه‌های زبانی خاص با قدرت، سرعت، برد و نفوذ قابل توجه امکان‌پذیر می‌گردد. همبستگی و رابطه تنگاتنگ بین دو متغیر زبان و روان انکارناپذیر است و دانش زبان‌شناسی، کیفیت و مسیر اثرگذاری و اثرپذیری را از طریق نمودهای مختلف زبانی مشخص می‌کند.

هنگام استفاده از زبان، انتخاب‌های آوایی، واژگانی، ترکیبی، جمله‌ای و بافتی کاربر زبان، انواعی از سازه‌هایی زبانی می‌آفریند که ذهن و روان مخاطب را مطابق میل خود جهت می‌دهند. در واقع فرض اصلی این پژوهش اثبات عملی وجود همین ارتباط اثرگذار زبانی است که به تأثیرگذاری روانی منتهی می‌گردد. با این فرض، بررسی نحوه تعامل زبان و روان انسان، ضمن فراهم‌سازی زمینه درک این معادله و موازنه منطقی، امکان پیش‌بینی عکس‌العمل‌ها و کنترل تفکرات، احساسات و کردار مخاطبین عملیات روانی را فراهم می‌آورد.

۴- روش پژوهش

در این پژوهش بنا به ماهیت موضوع، از روش تحلیل توصیفی - تطبیقی استفاده شده است و با استناد به داده‌های معتبر، ضمن توصیف حلقه‌های موجود میان متغیرهای

اصلی تحقیق، زمینه‌های مرتبط مورد تحلیل قرار گرفته است؛ به نحوی که منطق استدلال و تحلیل مباحث بر محور مؤلفه‌های مشترک در زبان‌شناسی و روان‌شناسی قرار دارد.

۵- سازماندهی پژوهش

در این نوشتار پس از طرح اجمالی مباحث نظری، زمینه‌های کاربردی مورد اشاره قرار گرفته است. استدلال زمینه‌های کاربردی به تدریج با بحث «زمان و مکان در عملیات زبانی» که نقطه شروعی بر گستره وسیع ابعاد چندگانه کاربرد زبان و ادبیات ادبیات در عملیات روانی است؛ آغاز می‌شود و با موضوعاتی چون «برنامه‌ریزی زبانی» و «جمله‌پردازی و مفهوم‌سازی ذهنی» پی گرفته می‌شود و سپس با مبحث «ابزارهای زبانی در فضا‌سازی روانی» رو به انتها می‌رود.

ب) چارچوب نظری

زبان یکی از لوازم و شروط اساسی در فعالیتهای پیشرفته ذهن همچون تفکر، تجرید، استدلال و قضاوت شمرده می‌شود. افلاطون بر این باور بود که انسان هنگام اندیشیدن با خویشتن حرف می‌زند. در مکتب زبان‌شناسی ساخت‌گرا که توسط فردینان دو سوسور (Saussure F. de) بنیان نهاده شد و سپس به وسیله لئونارد بلومفیلد (L. Bloomfield) و زلیگ هریس (Z. Harris) دنبال شد؛ زبان به عنوان پدیده‌ای ذهنی و روان‌شناختی معرفی می‌شود که تجلی آن به صورت گفتار است و از این جهت زبان به عنوان پدیده‌ای روان - جسمی (Psychophysical) تلقی می‌شود. از دهه پنجاه قرن بیستم با ورود نوآم امسکی (N. Chomsky) تحولات نظری زبان‌شناسی منجر به احیای تفکر فلسفی عقل‌گرایی گردید. چارچوب تفکر چامسکی بیش از هر چیز به قوه نطق که فقط مختص انسان است؛ معطوف است و از این جهت دیدگاه ژرف‌تری را ارائه می‌کند؛ درحالی که زبان‌شناسی ساخت‌گرا عمدتاً به توصیف زبان‌ها محدود می‌شود.

واتسن از پایه‌گذاران روان‌شناسی رفتارگرا تفکر را نوعی سخن گفتن همراه حرکات خفیف اندام‌های صوتی تلقی می‌کرد. در همین زمینه «وورف» تا بدانجا پیش می‌رود که جهان‌بینی گویشوران یک زبان را ناشی از تأثیر مقولات موجود در زبان آنها تلقی می‌کند. اگرچه امروزه ثابت شده که اندیشیدن بدون زبان نیز امکان‌پذیر است؛ ولی

بدون شک زبان، ابعاد اندیشه را پویا می‌سازد و به این ترتیب حوزه تفکر آدمی را بسیار وسعت می‌بخشد. بنابر این زبان در گسترش دامنه اندیشه نقشی غیرقابل انکار دارد. در نگرش زایشی - گشتاری به قواعد زبانی، مواردی چون عقل‌گرایی، دانش و کنش زبانی، تحلیل دقیق و ریاضی گونه‌ی زبان، قواعد ساخت - گروهی، روساخت و ژرف ساخت^(۱)، گشتارها، قواعد واجی، استقلال بخش‌های زبان، قوه‌ی نطق، هوش، تفکر و استدلال منطقی، کنش‌های فرهنگی و اجتماعی زبان، یادگیری و مهم‌تر از همه اینها فرایندهای روان‌شناختی دخیل در ادراک و مفهوم‌سازی ذهنی مطرح شده است. در دستور گشتاری، نظریه و فرآیند تولید تعداد بی‌نهایت جمله با استفاده از تعداد محدودی واژه و قاعده مطرح می‌گردد که نشانگر خلاقیت نامتناهی زبان و اثبات‌گر همان خلاقیتی است که برای بیان ذهنیات نامحدود انسان اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. ترکیب ماده‌ی زبان و ذهن انسان، امکان تولید انبوه سازه‌های نامحدود و بسیار متنوعی را فراهم می‌آورد که در عملیات روانی مورد مصرف دارند. مشترکات مکاتب زبان‌شناسی و نظریات مطرح در حوزه‌ی درک و مفهوم‌سازی گشتارهای ذهنی، زمینه نظری تحلیل کارکرد روان‌شناختی زبان را فراهم می‌سازد.

از یک دیدگاه کلان، زبان‌شناسی علمی است که در سه بخش اصلی آواشناسی (phonetics)، دستور (grammar) و معناشناسی (semantics) به مطالعه زبان می‌پردازد. در هریک از این سطوح زبانی تعاملات متقابلی بین زبان و ذهن وجود دارد که کارکرد تنگاتنگ و مشترک این دو پدیده را اثبات می‌نماید. با بررسی و تعمق در شاخه‌های اصلی علم زبان‌شناسی می‌توان به کارکرد هماهنگ و مشترک زبان و روان انسان پی برد.

۱- اهمیت و ابعاد زبان‌شناسی

۱/۱- آواشناسی

آواهایی که در اندام‌های گفتاری انسان تولید می‌گردند؛ عناصر اولیه ساختار صوتی زبان محسوب می‌شوند. همان‌گونه که رنگ‌ها و صداها، اثرات خاصی بر روان انسان دارند؛ تأثیر آواهای زبانی بر روح و روان انسان قابل انکار نیست. آواهای سخت و نرم مانند رنگ‌های سرد و گرم، در ایجاد احساسات و حالات روانی خاص در مخاطب بی‌اثر نیستند. در این مبحث عوامل صوت‌شناختی مانند ستیز و تنافر آوایی^(۲)، تراکم حروف و آواهای خشن و سنگین، استفاده از واج‌های نرم و روان، پی‌آوری

حروف قریب‌المخرج، همگونی آوایی (alliteration/assimilation) و عواملی از این دست، در خدمت تقویت و ایجاد حالت، احساس یا هیجان مورد نظر قرار می‌گیرند. در همین زمینه مختصات زیر زنجیری (suprasemantal feature) آواشناختی مانند تکیه و آهنگ در برجسته‌سازی و شکل‌دهی صوت به منظور ایجاد احساس و ذهنیت مورد نظر بی‌اثر نیستند.

اثرات واژه‌های خوش‌آهنگ، فصیح، زیبا، قاطع، پرمعنا و صریح با واژه‌های بدآهنگ، نازیبا، تردیدبرانگیز، مبهم و بی‌معنا یکسان نیستند؛ ولی در پیام‌های زبانی، همه این انواع برای تحریک یا ایجاد احساسات خاص، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این زیرساخت‌های آوایی و زیرزنجیری، در کنار امکان انتقال داده‌های زبانی، امکان نفوذ زبان در روح و احساس انسانی را فراهم می‌آورند و از این رو در عملیات روانی به مفهوم عام و خاص خود، مصرف فراوان دارند. عناصر زبانی فوق‌صدایی مانند تکیه، نواخت و آهنگ بیشتر در گفتار، زمینه‌ظهور می‌یابند و اغلب مورد استفاده گویندگان و سخنوران قرار می‌گیرند. به سخن دیگر این فرایند اغلب در گفتار و بیان به کار می‌آید و عملکرد آن در نوشتار، خفیف‌تر است. ولی به هر حال در شکل‌دهی لحن بیان و شفاف‌سازی معنا کاملاً مؤثرند و از طریق افزایش میزان جاذبه و نفوذ زبانی - روانی، عملیات روانی را پشتیبانی می‌کنند.

۱/۲- دستور زبان

واژه چه به شکل منفرد و چه با در نظر گرفتن کار کرد ترکیبها، وندها، حروف اضافه، تکواژها^(۳) و حتی نوع چینش کلمات، ماده اولیه ترکیبات خوش ساخت دستوری است. با انعقاد پیوندهای دستوری بین تکواژها، پیام در قالب زبانی قرار می‌گیرد و به این ترتیب، انتقال پیام زبانی ممکن می‌گردد. واژگان در کنار قواعد صرفی و نحوی زبان، محمل معتبر دستوری برای انتقال تحلیل‌های ذهنی و داده‌های خبری را فراهم می‌سازند. جانشین شدن و همنشین شدن کلمات با یکدیگر امکان ساخت جملات به تعداد بی‌نهایت را فراهم می‌آورد. «دستور زبان دستاورد کار متمادی انتزاع تفکر بشری است. دستور زبان نمونه‌ای از موفقیت‌های عظیم تفکر است... از این لحاظ دستور زبان به هندسه شباهت دارد که قوانین خود را به وسیله فرایند انتزاع از اشیای عینی خلق می‌کند؛ در حالی که اشیا را به مثابه اجسامی بدون هرگونه عینیت به شمار

می‌آورد و روابط بین آنها را نه به عنوان مناسبات اشیای عینی، بلکه به عنوان روابط اجسام به طور اعم و بدون هیچ‌گونه عینیت تعریف می‌کند.» (Hall, 1969, 15)

۱/۳- معناشناسی

معناشناسی با مطالعه الگوهای زیرساختی زبان، صورت‌های گوناگون انتقال و تغییر و تحول معانی را بررسی می‌کند. در این شاخه از علم زبان‌شناسی، نحوه انتقال افکار از طریق زبان با استفاده از مناسب‌ترین ساختمان واژگانی و ترکیبی مورد بحث قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که در اینجا اجزای زبان مورد مطالعه قرار نمی‌گیرند؛ بلکه تنها مطالعه و شناخت عناصر متنوع زبانی با در نظر گرفتن معنا و کاربرد مفهومی آنها مدنظر است. چگونگی معنادار شدن عناصر زبانی و روش‌های درست توجیه معنایی و تفسیر محتوایی در همین شاخه به بحث گذارده می‌شود. در همین مسیر، اهمیت مطالعه رابطه میان الفاظ و اشیا (دال (signifiant) و مدلول (signified)) و شبکه روابط میان زبان، فکر و رفتار آشکار می‌گردد. ماهیت پیوند زبان به عنوان یک دانش ذهنی با جهان خارج، بهانه لازم را برای بررسی مفهوم بافت (context) و همچنین ماهیت معنای تکواژها را در بافت فراهم می‌آورد. در حوزه معناشناسی با تکواژ، واژه، ترکیب، عبارت، جمله، پاراگراف و ساخت‌های بزرگ‌تر فقط از جنبه محتوایی سر و کار داریم. به عبارت دیگر در اینجا فحوای ساخت‌هایی که با شیوه‌های مختلف جهت القای مفهوم، تدوین و ارائه شده‌اند؛ مدنظر قرار می‌گیرند. وند پردازش و ترکیب‌سازی همراه با امکانات جانشینی و همنشینی تکواژهای زبانی، موقعیت ترکیب مؤلفه‌های گوناگون معنایی زبان را فراهم می‌آورد و محصول آن خلق مفاهیم جدید و بدیع است. سازه‌های زبانی همانند عناصر شیمیایی با هم درمی‌آمیزند تا خواص، مزه‌ها، بوها و رنگ‌های جدید را خلق کنند؛ با این تفاوت که در اینجا به جای ترکیب شیمیایی جدید، مفاهیم نوظهور مورد نظر است.

نقش بافت در تبلور معنا، ابهام‌های نحوی و غیرنحوی، روابط معنایی میان اجزای جمله، چندمعنایی، هم‌معنایی و بی‌معنایی برخی از مباحثی است که در حوزه معناشناسی می‌گنجد. (Jenny, 1995, 144/148)

۲- عملیات روانی

۲/۱ □ مفهوم و گستره ابزاری

عملیات روانی مجموعه فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ای است که با ابزارهای گوناگون و با هدف تأثیربخشی، نفوذ یا غلبه بر اندیشه و احساس گروه هدف صورت می‌پذیرد. عملیات روانی در معنی خاص خود محدود به برهه زمانی جنگ تمام عیار یا جنگ سرد می‌شود و اغلب در عرصه‌های نظامی و سیاسی مطرح می‌گردد؛ در حالی که در معنی عام خود شامل کلیه فعالیت‌هایی است که به منظور اثرگذاری روانی یا پیشگیری از اثرپذیری روانی توسط ابزارهای گوناگون از جمله زبان انجام می‌گیرد و به همین جهت علاوه بر جنبه‌های نظامی و سیاسی، در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی نیز محل ظهور دارد.^(۴) بنابراین با توجه به مفهوم خاص و عام عملیات روانی می‌توان ادعا نمود که این نوع عملیات نه فقط در جنگ، بلکه در جای جای زندگی انسان، در دو بُعد نفوذ (جنگ) و ضدنفوذ (دفاع) مطرح است.

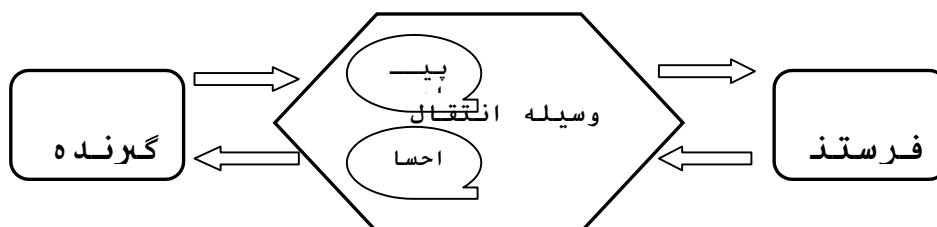
ابزارهای انجام این نوع عملیات به دو بخش زبانی و غیرزبانی تقسیم می‌گردد. در بخش زبانی پیام‌های حاوی داده‌های عملیات روانی در دو نوع سازه گفتاری و نوشتاری قابل طرح است. لازمه کاربرد بهینه زبان به عنوان یکی از ابزارهای عملیات روانی، تجلی بخشیدن به دانسته‌ها در قالب زبانی (گفتار یا نوشتار) و انتقال به موقع آنها به مخاطب است. به این تظاهرات زبانی بر حسب شرایط، کنش یا واکنش زبانی گویند که فراهم کننده و زمینه‌ساز ایجاد فکر یا حالات روانی است. گفتار و نوشتار عملیاتی در اشکال متنوع زبانی و هنری امکان ظهور دارند که موضوع این مقاله است. مقصود از بخش غیر زبانی عملیات روانی، صرف نظر از کاربردهای زبانی، همان شکلی از عملیات است که امروزه به عنوان عمومی عملیات روانی شناخته می‌شود. ولی جالب است بدانیم در تمام عرصه‌هایی که عملیات روانی شکل می‌گیرد؛ زبان به عنوان یکی از ابزارهای اصلی و پرکاربرد به میدان داری و ایفای نقش می‌پردازد. به باور «صلاح نصر» اندیشمند و نویسنده مصری «جنگ روانی همان جنگ کلمه و عقیده است؛ خواه به صورت آشکار یا مخفی و شفاهی یا کتبی. اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هر گاه امکان برقراری ارتباط با مخاطب را داشته باشد؛ می‌تواند به اعماق وجود او نفوذ کند.» (آقابخش، ۱۳۷۸، ۶۵)

نشانه (sign) چیزی است که نماینده چیز دیگری غیر از خودش باشد. در زبان بشر واژه‌ها نشانه‌اند و از حروف و آواها برای ساختن این نشانه‌ها استفاده می‌شود. انسان برای بیان اندیشه و رساندن پیام خود به دیگر افراد یا حتی به منظور نجوا^(۵) با خویشتن به نشانه‌سازی و نمادسازی می‌پردازد. واژه یک نشانه زبانی است که برای اشاره به مفهوم یا مصداق خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر واژه در عین حالی که به مفهوم خاصی دلالت می‌کند؛ احساس خاصی را نیز به ذهن متبادر می‌نماید. به عنوان نمونه، نشانه زبانی «سیب» برای اشاره به یک میوه به کار می‌رود و علاوه بر آن ویژگی‌های مشخص حسی مانند اندازه، رنگ، مزه و بوی خود را در پندار، بازآفرینی می‌کند.

نشانه یا سمبل ممکن است غیر زبانی باشد و در شکل نشانه طبیعی (مثل دود) یا نشانه تصویری (مانند علائم راهنمایی) ظاهر گردد. نشانه‌های زبانی و غیر زبانی از راه حواس پنجگانه انسان درک می‌گردند. از این دیدگاه، اصوات (زبانی و غیرزبانی)، مناظر و تصاویر، مزه‌ها و بوها همه و همه نشانه‌اند. صدای شکسته شدن دیوار صوتی یا صدای انفجار بمب، با حس شنوایی دریافت می‌شود و صرف‌نظر از تخریب فیزیکی، یک نشانه است که تصور، مفهوم و احساس خاصی را در ذهن ایجاد می‌کند. به همین ترتیب، شنیده شدن یک واژه نیز معنا و مفهوم مشخصی را در مخیله انسان بیدار می‌کند. تعداد دفعات شنیده شدن صدای انفجار با تعداد دفعات تکرار یک واژه یا جمله، مشاهده مکرر یک پوستر و یا مشاهده مکرر جنازه‌های فراوانی که بر زمین افتاده‌اند؛ بی‌ارتباط نیست و در ذهن، مفهوم یا احساسی را ایجاد می‌نماید. گرچه نشانه‌ها، حاوی پیام هستند و از تنوع زیادی برخوردارند؛ ولی کارکرد تلقین متوالی نشانه زبانی همانند کارکرد تلقین متوالی نشانه تصویری یا واقعی است.

در عملیات روانی این امکان وجود دارد که از نشانه‌های غیرزبانی در کنار نشانه‌های زبانی استفاده شود. «در جنگ‌ها با استفاده از صدای طبل‌ها و متأثر کردن اذهان نیروهای دشمن با استفاده از جاسوسان، باید آنچنان وضعیتی را به وجود آورد که موجب شکست دشمن گردد.»^(۶) (تزو، ۱۳۵۹، ۷۶) معمولاً نشانه‌های زبانی و غیرزبانی مکمل هم هستند و در عملیات روانی کاربرد توأم دارند. در کل می‌توان ادعا کرد که هر نشانه، حاوی پیامی است و رسانه وظیفه انتقال پیام را در بافت مشخص به عهده دارد.

پیام نیز شامل اطلاعی است که با کمک وسیله ای از جانب فرستنده به گیرنده منتقل می‌گردد و از یک یا چند نشانه مدون به وجود می‌آید. در واقع نظام جاری در زبان امکان نشانه‌سازی پیشرفته‌ای را فراهم می‌آورد تا پیام یا احساس مستتر در اندیشه انسان، در قالب کلمه ریخته شود و از راه لفظ به دیگران منتقل گردد. مدار زندگی بشر بر پایه ارتباط قرار گرفته است و در هر ارتباط، پیام است که مستقیم یا غیرمستقیم مورد تبادل قرار می‌گیرد. برقراری ارتباط طبعاً منجر به تسری روحیات نیز می‌گردد که موضوع این مبحث است. بر این مبنا در هر ارتباط، وجود چهار عنصر پیام، فرستنده، وسیله انتقال و گیرنده ضروری شمرده می‌شود و در یک عملیات روانی جایگاه و نقش هر یک از این عناصر از قبل با دقت تعیین می‌گردد.



با توجه به قابلیت‌های زبان انسان در امر نشانه‌پردازی، مشخصاً کیفیت، عمق و دقت پیام‌های قابل انتقال به وسیله زبان در مقایسه با سایر شیوه‌های پیام‌رسانی صوتی (مانند موسیقی) و تصویری (مانند نقاشی) بسیار بالاتر است؛ هرچند سایر شیوه‌ها نیز قابلیت‌های مخصوص به خود را دارا هستند. در اطلاع‌رسانی معمولاً بار اصلی انتقال پیام بر عهده زبان قرار می‌گیرد و از شیوه‌های نشانه‌سازی تصویری و صوتی به عنوان مکمل استفاده می‌شود. پیام‌هایی که از راه موسیقی یا نقاشی منتقل می‌شوند بسیار کلی‌تر و مبهم‌تر از آن هستند که قادر باشد جزئیات تفکر بشر را بیان کنند و عمدتاً برای انتقال احساسات کاربرد دارند. به همین علت است که اغلب، پیام‌های زبانی به عنوان پایه اصلی عملیات روانی مطرح می‌شوند و سایر ابزارهای پیام‌دار، نقش حمایتی خود را با هدف تنفیذ همان پیام‌های زبانی پیرامون محور زبان و در تأیید آن ایفا می‌نمایند.

انسان‌ها هنگام درک پیام‌های زبانی دیگران، ناخودآگاه از قابلیت استنباطی خویش استفاده فعال می‌کنند. بررسی جمله‌های زبانی با تکیه بر قواعد منطق آشکار می‌سازد بسیاری از اطلاعات، بدون آنکه گفته یا نوشته شوند؛ بر اساس دانش قبلی و شرایط محیطی یا بافت زبانی، به وسیله مخاطب درک می‌گردند. بافت زبانی به معنی محل و زمان طرح یک نشانه یا یک واژه است که در محتوای پیام آن نشانه نقش دارد و نباید از نظر دور بماند. (Jenny, 1995, 90)

تعبیر مخاطبین از سازه‌های زبانی^(۷)، با توجه به بافتی که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ متنوع خواهد بود. در دایره قواعد زبانی (صرف و نحو) انتخاب محل به‌کارگیری هر سازه زبانی، با توجه به تعداد فراوان واژگان، وندها و حروف اضافه موجود در هر زبان، چندان محدود نیست. در حوزه ادبیات، تکواژها به عنوان هسته‌های معنایی زبان مطرح می‌شوند و انتخاب هر تکواژ، رگه‌ها و مؤلفه‌های معنایی یا نقشی خاصی را به ذهن و فکر متبادر می‌کند. به طور مثال کلمه «خون» در ذهن ما یادآور مایعی قرمز رنگ و تا حدودی غلیظ است که در بدن انسان و بسیاری از جانوران جریان دارد. همین واژه در بافت‌های متفاوت زبانی یا اجتماعی تداعی‌گر جراحی، جنایت، شهادت، حیات و بسیاری مفاهیم مرتبط است که از مسیرهای پیچ در پیچ، راه خود را به سمت آن معانی باز کرده‌اند. به این ترتیب هر کلمه دارای یک معنا یا بیشتر است و بر حسب بافت زبانی و محیطی که آن کلمه در آن به کار گرفته شده است؛ مفهوم و تعبیر مورد نظر از آن برداشت می‌شود.

یک نقطه نارنجی بر روی یک تابلو ممکن است نشانه خورشید باشد و همان نقطه در تصویر دیگر نشان یک بادکنک یا توپ یا حتی تلفن یا تکمه لباس یک کودک قلمداد شود. یک واژه نیز وقتی در داخل جمله‌ای قرار گیرد که آن جمله، خود داخل یک متن قرار گرفته است؛ معنای واقعی خود و پیام مورد نظر را پیدا می‌کند. بنابر این امکانات کاربر زبان در خلق تعابیر محتوایی و القای مؤلفه‌های پیام، بسیار وسیع و پرمایه است. کاربر زبان امکان تولید مفاهیم جدید و بدیع را به صورت نامحدود در اختیار دارد. بر همین مبنا است که فرآوری زبانی در عرصه‌های شعر و ادب، قدرت بیان مفاهیم انتزاعی و حتی ماورایی را فراهم می‌آورد. این فرآوری پویا در جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی از طریق تولید کلمه، هم‌نشین‌سازی، مقایسه، مجاز

و استعاره، به خلق تصورات معناداری چون حرمت‌شکنی یا احترام، تحقیر یا تحسین، تنفر یا محبت، رد یا تأیید و ضعف یا قدرت می‌پردازد. (Kreuz, 2004)

از سوی دیگر بخش قابل توجهی از مفهوم‌سازی زبانی با تکیه بر عنصر «حشو» (redundancy) و به شکل غیرمستقیم صورت می‌پذیرد. بر مبنای یافته‌های علم زبان‌شناسی و ارتباطات، سطح حشو در زبان بسیار بالا است. حشو شامل بخش‌های نسبتاً قابل پیش‌بینی پیام است^(۸). نویسنده یا سخنران بر اساس تخمین شرایط مخاطب، اطلاع وی از برخی داده‌های زبانی را بدیهی فرض می‌کند و بنابر اصل کم‌کوشی یا صرفه‌جویی در زبان، از اشاره به آن بخش از پیام‌ها خودداری می‌کند. همین بخش‌های محذوف، در بسیاری اوقات امکان برداشت‌ها و تعبیر چندگانه‌ای را فراهم می‌کند و همچون گونه‌ای از «ابهام ساختاری» (constituent ambiguity) در سازه‌های زبانی عملیات روانی مورد مصرف دارند و باعث نامشخص ماندن اطلاعات حریف و عدم امکان تصمیم‌گیری صحیح می‌گردند. وجود «حذف به قرینه»، کاربرد «ضمیر»، «استعاره» و «تشبیه» در زبان، نمونه‌هایی از فرایند صرفه‌جویانه زبانی به‌شمار می‌روند. کاربرد این موضوع در عملیات روانی به‌طور معمول در اشکال زیر مصداق می‌یابد:

- ۱- استفاده یا سوءاستفاده از ابهامی^(۹) که بعضی اوقات پس از کاربرد «حذف به قرینه»^(۱۰) نسبت به کلمه یا عبارت محذوف پیش می‌آید.
- ۲- استفاده یا سوءاستفاده از ابهامی که بعضی اوقات پس از کاربرد «ضمیر» نسبت به مرجع ضمیر پیش می‌آید.^(۱۱)
- ۳- نوآوری و خلاقیت در تولید استعاره‌ها و تشبیهات جدید که امروزه در ادبیات سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد.

از موارد سه‌گانه فوق در هنگام تنظیم قراردادهای حقوقی، سیاسی و اقتصادی، نطق‌های انتخاباتی، مصاحبه‌های مطبوعاتی و همچنین عملیات روانی استفاده می‌گردد تا زمینه برای برداشت‌های مختلف فراهم باشد. به این ترتیب می‌توان بر حسب نیاز، به تعبیر مورد نظر رجوع نمود و سایر برداشت‌ها را منتفی دانست. برداشت‌های ممکن که حاصل این ویژگی‌های طبیعی زبانی است؛ قدرت مانور زبان را در تعاملات گوناگون انسانی افزایش می‌دهد.

صنایع ادبی می‌توانند بیانگر نوعی انحراف از واقعیت باشند و از سوی دیگر امکان طرح احساسات و عواطف را از طریق زبان فراهم می‌آورند. با استفاده از مجازها و دیگر ابزارهای زبان هنری می‌توان فحوا و مضامین اصلی را غیر از منطق آشکار و صریح، از طریق پیام‌های ضمنی و نمادین عرضه نمود.

به عنوان نمونه، ترکیب‌های «واپس‌گرایی»، «جهان سوم» (third world)، «بنیادگرایی اسلامی» (fundamentalism) و «محور شرارت» سازه‌هایی از این دست هستند که به دقت و ظرافت ساخته شده‌اند. با پیوند واژگان، این اصطلاحات به وجود می‌آیند و پیام‌های مشخصی را در زمینه سیاسی و روانی القا می‌نمایند. در حوزه ادبیات همین قابلیت در خدمت آفرینش تصورات ماورایی قرار می‌گیرد و انگاره‌هایی چون «دریای عشق»، «طوفان آرزوها» و «فرش زمرّدین» به وجود می‌آید تا مخاطب را در هزارتوی احساس خود به حرکت وادارد. در عرصه اقتصاد و تجارت نیز ممکن است همنشینی کلمات و ترکیب‌ها «شادی»، «خوشبختی» یا «رفاه و آسایش» را به «خرید یک محصول» مشروط نماید تا تصور ابتیاع آن، احساسات خوشایندی را به ذهن مخاطب متبادر کند.

جالب است بدانیم صرف‌نظر از تطابق این معانی با واقعیت، کاربرد کلمات، ترکیب‌ها و جمله‌های مشخص با ترتیب و توالی خاص، بی‌تردید تصویر ذهنی لازم را در اندیشه مخاطب ایجاد خواهد نمود و به این ترتیب فضا سازی ذهنی صورت می‌پذیرد. با ترکیب زبانی دو واژه «دریا» و «جیوه» با سرعت و به طور ناخودآگاه، صورت خیالی «دریای جیوه» در پندار شکل می‌گیرد؛ هرچند در واقعیت وجود این مصداق، غیر ممکن باشد. بیان یا درج عبارت زبانی «اعتصاب گسترده در ایران» صرف نظر از صحت آن، ذهنیت و تصور زیر را به دنبال خواهد داشت:

«تابلویی بزرگ به وسعت ایران که اعتصابات و اعتراضات وسیعی در آن دیده می‌شود.»

ادبیات از طریق تلطیف زبان قادر است به عنوان ابزار مناسبی در پوشاندن و حتی زیباسازی اعمال ناشایست به کار گرفته شود. با لفاظی‌های ادبی می‌توان حتی رفتار ناشایست را ایده آل، قابل قبول و حتی ستودنی جلوه داد. ادبیات در شکل‌های مختلف خود^(۱۲)، نمود تزئین شده زبان به شمار می‌رود و دارای ساختی پیرایش شده،

پرورده و فریبنده است؛ بنابراین این با کمک آن می‌توان حتی از جنایت، تصویر اغواکننده و دلنشینی ارائه داد.

«زمانی که مزدوران از عمل به قرارداد سخن می‌گویند؛ جنایت در قالب الفاظ تحسین‌آمیز به وظیفه‌شناسی شرافتمندانه تغییر می‌یابد. برای نمونه تروریست‌ها خود را مبارزان آزادی می‌نامند و عملیات بمب‌گذاری را به چاقوی تیز جراحی تعبیر می‌کنند که برای معالجه بیمار باید قسمتی از بدن او را بشکافد؛ تمثیلی از هنرنمایی حیات بخش جراحان در اتاق عمل. همچنین از غیر نظامیانی که در این عملیات کشته می‌شوند؛ به عنوان خسارات جانبی یاد می‌شود.» (Hilgartner, 1982, 112)

۲/۵- زبان، تخیل و احساس

هنر زبانی در خلق زمینه‌های اثربخش روانی در قالب‌های ادبی همچون داستان، فیلم‌نامه، شعر، آواز، سرود، سخنوری^(۱۳)، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه در سبک‌های طنز، تراژدی و کمدی تجلی می‌یابد. در عملیات روانی قابلیت تصویرسازی جذاب سازه‌های داستانی با وسعت فراگیری بسیار بالا همواره مورد توجه طراحان بوده است. داستان‌پردازی که از گذشته تا امروز، دنیای خیالی انسان را به تجسم کشیده و به آفرینش اسطوره‌ها جامه عمل پوشانده است؛ هنوز در عملیات روانی کاربرد گسترده دارد.

سناریوهای کلان سیاسی، نظامی، فرهنگی و غیره که با الهام از سبک‌ها و شگردهای ادبیات داستانی خلق می‌گردند؛ هنوز هم در الگودهی و فضاسازی روانی مورد مصرف دارند. پخش مجموعه اخبار تکان‌دهنده و بهت‌آور فروریختن برج‌های دوقلو، پیام موردنظر را در خود داشت تا بتوان بر اساس آن جمله‌های تهدیدآمیز و توجیه‌کننده هجوم آمریکاییان را مکرراً شنید و آن را به عنوان یک عکس‌العمل منطقی و قابل قبول تلقی نمود. نمونه دیگر، سناریوی «جسیکا لینچ» (Jessica Lynch) سرباز نوزده ساله زن آمریکایی است که در روزهای نخست تهاجم آمریکا به عراق، اسیر نیروهای عراقی می‌شود و در نهایت توسط «عملیات قهرمانانه!» کماندوهای آمریکایی آزاد می‌گردد! (co.uk/Articles,2003) هنوز هم افسانه‌پردازی با همان اسطوره‌های دیرین؛ ولی در قالبی جدید و ادبیاتی نوظهور نمود آشکار دارد. این بار دیو سیاه که یک شخصیت افسانه‌ای بیش نیست؛ با نام «القاعده» و به عنوان یک سازمان مخوف یا

با نام «صدام» به عنوان جنایتکار قرن معرفی می‌شود تا مظهر دشمنی قرار گیرد و «آمریکا» در نقش فرشته نجات و مظهر انسانیت و شجاعت جلوه‌گر می‌شود. خیال در داستان لعاب واقعیت می‌گیرد و واژه، مصداق می‌آفریند؛ هرچند این مصداق، واقعی نباشد. هدف از این بحث تحلیل سیاسی نیست؛ بلکه تأکید بر جایگاه ادبیات در افسانه‌پردازی و روان‌سازی، سیاست و آفرینش ذهنیت است. در واقع افسانه و داستان ترکیبی از خیال و واقعیت است که در قالب ماجراها تکوین پیدا می‌کند. از آنجا که در افسانه بین خیال و واقعیت تمایزی ایجاد نمی‌شود؛ ذهن مخاطب، هر دو گروه داده‌های واقعی و غیرواقعی را می‌پذیرد و در پندار خود عینیت می‌بخشد. پس هر شخصیت یا هر پدیده به گونه‌ای معرفی می‌شود که در ذهن مخاطب تصورات از پیش تعیین شده شکل گیرد؛ هر چند این تصور با واقعیت فرسنگ‌ها فاصله داشته باشد. این نکته نیز حاکی از قابلیت و توانایی دوجانبه زبان در انعکاس وقایع حقیقی و غیرحقیقی است. از طریق زبان، خروج از واقعیت امکان‌پذیر می‌گردد و حاصل سازه‌های غیرواقعی زبان، هم در ادبیات (افسانه‌پردازی و شعر) و هم در سیاست (عملیات روانی) مصرف گسترده دارد. از این نظر نیز زبان ابزار بسیار فوق العاده‌ای است که مانند یک دوربین عکاسی عمل می‌کند؛ با این تفاوت که قادر است حتی تصاویری که مصداق خارجی ندارند با وضوح تمام به نمایش بگذارد. واژگان و ساختار دستوری زبان، انعطاف فوق العاده‌ای را در اختیار این ابزار می‌گذارد تا بیان تمامی وقایع و حتی وقایع رخ نداده، رؤیاهای و افسانه‌ها امکان‌پذیر گردد. درست به همین علت ریشه‌ای است که این وسیله می‌تواند در عملیات روانی نقش اساسی ایفا کند.

ج) چهارچوب کاربردی زبان در عملیات روانی

۱- ارتباط زمان و مکان با عملیات زبانی

زبان در حین بیان، وابسته به زمان و در حین نگارش عمدتاً وابسته به مکان است و از این رو وابستگی زبان به زمان و مکان کاملاً محرز است. در این راستا بحث مدیریت زمان و مکان در عملیات روانی مطرح می‌شود که تنظیم طول سازه‌ها و عبارات گفتاری و نوشتاری را مورد توجه قرار می‌دهد. بیان سازه‌های زبانی، (طول) زمان مشخصی را صرف می‌کند و درج آنها نیز مکان مشخصی را به خود اختصاص می‌دهد که در مبحث مدیریت زمان و مکان قابل طرح است.

در مبحث مدیریت زمان، بر حسب نوع عملیات روانی، کاربرد زبان در زمینه‌های استمرار (طول عملیات زبانی)، شتاب (سرعت انتقال اطلاعات)، زمان‌سنجی (موقع ارائه اطلاعات)، توالی (ترتیب عرضه اطلاعات) و هم‌زمانی (ارائه چند اطلاع در یک زمان) مطرح می‌گردد.

در مدیریت مکان نیز بر مبنای نوع عملیات روانی، عواملی چون وسعت (دایره سرایت اطلاعات)، وضوح (میزان رسانایی، شفافیت، شدت و بسامد) و نسبت طول و محتوا (نسبت طول نوشتار با حجم داده‌های زبانی) مطرح می‌شود. (کیوهان، ۱۳۸۲، ۳۵)

سرعت انتقال مطالب با توجه به حجم اطلاعات در دست انتقال، اولویت و اهمیت اطلاعات، سرعت درک شنیداری و سرعت مطالعه مخاطب تعیین می‌شود. به عبارت دیگر سرعت و حجم تولیدات زبانی در عملیات روانی با توجه به ابزار انتقال و ویژگی‌های مخاطبین به شکلی تنظیم می‌گردد که در زمان تعیین شده بالاترین حد انتقال داده‌ها صورت پذیرد. در عملیات روانی سرعت جذب، پالایش و فرآوری اطلاعات (تولیدات زبانی) در کنار سرعت بیان گوینده یا نشر و توزیع نوشته (انتقال زبانی) از اهمیت بسزایی برخوردار است. اجرای عملیات زبانی در خارج از بازه زمانی مطلوب، نتیجه مورد نظر را به بار نخواهد آورد و ممکن است آثار معکوسی نیز بر جای گذارد. «گوبلز»^(۴) بر این اعتقاد بود که «همیشه موفقیت از آن کسی خواهد بود که اولین کلمه را به گوش مردم برساند.» (فیاد، ۱۳۵۵، ۵۱)

از دست دادن فرصت‌های مناسب برای ساماندهی حمله یا دفاع زبانی - روانی، درست به اندازه از دست دادن فرصت در عملیات نظامی خسارت بار است. تصمیم‌سازی در عملیات روانی با استفاده از آخرین اطلاعات دریافتی و در چارچوب زمان و مکان مورد نظر صورت می‌پذیرد. «اطلاعات تازه به ما می‌رسد و ما مجبوریم بایگانی ادراکی خود را دائماً با سرعت بیشتر اصلاح کنیم. تصویر قبلی ما از واقعیت، باید جای خود را به تصاویر تازه بدهد؛ زیرا اگر این کار انجام نشود؛ اعمال ما از واقعیت فاصله می‌گیرد و روز به روز توانایی خود را برای پاسخ دادن به مسائل روزمره بیشتر از دست می‌دهیم؛ تا آنجا که احساس می‌کنیم دیگر از عهده هیچ کاری برنمی‌آییم» (تافلر، ۱۳۶۲، ۱۱۷) البته بعضی پیامهای زبانی مورد استفاده در عملیات روانی برای اثرگذاری به سالها زمان نیاز دارد؛ اما برخی پیامها در کمترین زمان در سراسر یک کشور منتشر می‌شوند.

زمان در بطن و فضای عملیات روانی علاوه بر مکان (طول و عرض و ارتفاع) به منزله بعد چهارمی است که جایگاه بسیار ارزشمندی را اشغال کرده است. در برآورد عملیاتی «کلاوزویتس» غافلگیری زمانی، مسئله‌ای مربوط به زمان سنجی است که مزیت آن با افزایش سرعت حمله غافلگیرانه افزایش می‌یابد. در عملیات روانی، به هنگام کاربرد زبان، زمان‌شناسی صحیح، شتاب ایده آل، آهنگ منظم و پیشدستی حساب شده، عاملی تعیین‌کننده در به دست آوردن و حفظ ابتکار عمل محسوب می‌شود. (Clausewitz, 1988, 11)

۲- برنامه ریزی زبانی در عملیات روانی

مطالبات قدرت‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی در جهت اجرای اهداف آشکار و پنهان خود بسیار متنوع، وسیع و دیرپا است و طبیعتاً در چاقوب بسته جنگ‌های فیزیکی محصور نمی‌شود. به همین دلیل عملیات روانی از دیرباز تا کنون به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی جنگ با هدف غلبه بر فکر و روحیه حریف، مورد توجه بوده است. باید پذیرفت که نه کاربرد این نوع عملیات فقط محدود به دوران جنگ است و نه مخاطب این عملیات، تنها گروه حریف است. بر این اساس باید توجه داشت که در عملیات روانی «مخاطب» فقط دشمن نیست؛ بلکه طراحان عملیات روانی در بحث دفاع، خودی‌ها را نیز به طور جدی مدنظر قرار می‌دهند.

حتی در شرایط غیرجنگی نیز تولیدات زبانی - روانی در خدمت پیشبرد سلامت روانی جامعه و فرهنگ‌سازی قرار می‌گیرد.^(۱۵) در یک نگاه دقیق‌تر، جنگ روانی و دفاع روانی حتی در ریزترین عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اجتماعات خرد و کلان انسانی، همواره مورد مصرف دارد. با توجه به ویژگی‌های این نوع نبرد، عملیات روانی هم در جنگ و هم در صلح به‌طور کامل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

استفاده از زبان در اشکال مختلف عملیات روانی کاربرد ویژه‌ای دارد و امروزه امکان شناسایی به موقع عملیات روانی دشمن و خنثی‌سازی آن با کمک ابزارهای متعدد رسانه‌ای و زبانی وجود دارد. بدون شک لازمه چرخه صحیح عملیات روانی تدوین یک استراتژی است. استراتژی عملیات روانی، جمله‌های محدود و مشخصی را که برخاسته از تعالیم کلان و خط‌مشی نظام حکومتی است تعیین می‌کند و سپس به منظور القای مفهوم آن جملات به مخاطبین و تبدیل آنها به باورهای عمومی،

سیاست‌های کلی رسانه‌ای و اجرایی تدوین می‌گردد. در مرحله بعدی بر حسب ویژگی‌های هر یک از گروه‌های مخاطبین، با هدف نفوذ یا جلوگیری از نفوذ فکری و روانی در آنها از مجموعه پیام‌ها، روش‌ها و تاکتیک‌های متنوع و بهینه استفاده می‌گردد. در هر سه سطح استراتژی، سیاست و تاکتیک، افکار نظام‌یافته در قالب زبان تدوین می‌شوند و مکتوب می‌گردند. بخشنامه‌ها، پیام‌ها و شعارهایی که با نمود زبانی در چرخه عملیات روانی کاربرد دارند؛ (Muller, 1976) همواره از سطوح سه‌گانه فوق منشأ می‌گیرند.

یکی از وظایف برنامه‌ریزان زبانی ساخت کلمات و ترکیبات با مسمایی است که در اشکال گوناگون هنری و زبانی ارائه می‌گردد. این سازه‌ها باید در خودی‌ها آثار مثبت و در دشمن آثار منفی روانی ایجاد کند. رفتار زبانی برنامه‌ریزی شده می‌تواند از فشارهای روانی بر نیروهای خودی بکاهد و اضطراب روحی دشمن را تشدید نماید. در عین حال اشتباه در عملیات زبانی می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیر روانی به دنبال داشته باشد. استراتژی زبانی ایجاب می‌کند فضای زبانی ایده‌آلی برای گروه‌های مختلف خودی و غیرخودی طراحی شود و تا حصول نتیجه مورد نظر، به صورت مستمر حفظ گردد. با افکار سنجی گروه‌های مخاطب به صورت دوره‌ای می‌توان میزان موفقیت عملیات روانی را ارزیابی نمود و به این ترتیب برای ادامه کار، دقت طرح عملیات را افزایش داد.

بر اساس اصول برنامه‌ریزی زبانی در عملیات روانی، ابتدا مخاطبین زبانی یا مصرف‌کنندگان تولیدات زبانی به سه طیف دوست، دشمن و بی‌تفاوت (نه دوست و نه دشمن) تقسیم می‌شوند. در مرحله بعد، مخاطبین در هر یک از این طیف‌ها در گروه‌های کلی زیرمجموعه خود طبقه‌بندی می‌شوند. به عنوان نمونه، جناح دشمن شامل گروه مردم، نظامیان و رهبران می‌شود. بی‌تردید سبک زبانی مورد نیاز، نوع پیام‌ها و سطح تحلیل‌ها در هر یک از این سه گروه نمی‌تواند یکنواخت باشد. به این ترتیب بر اساس اطلاعات موجود، هر طبقه بر مبنای قواعد مخاطب‌شناسی، شرایط اجتماعی و سیاسی و همچنین اهداف عملیاتی از طبقه دیگر قابل تفکیک است. «تدبیر نبرد روانی در همه جنبه‌های متکی به اطلاعات است. بدون اطلاعات جدید در باره امکانات خود و آگاهی واقعی پیرامون امیدها، تمایلات و زمینه‌های سیاسی، جامعه‌شناختی و فرهنگی مخاطبان جنگ روانی، یک تلاش روانی تقریباً و حتماً شکست می‌خورد. هر

چه شخص در مورد مخاطبینی که پیام تبلیغاتی برایشان ارسال می‌دارد بیشتر بداند؛ با اطمینان بیشتری بر تمایلات و افکار آنان و در نتیجه الگوهای رفتاریشان تأثیر خواهد گذاشت.» (چندلر، ۱۳۷۹، ۳۶) بی‌تردید در نظر گرفتن سطح زبانی^(۱۶) مخاطب، معلومات مخاطب و گرایشهای فکری و روحی وی، راه را برای انتقال داده‌های فکری در عملیات روانی هموار می‌سازد.

به اقتضای برنامه‌ریزی زبانی در عملیات روانی، تولیدات زبانی که مورد مصرف گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد؛ با توجه به شرایط فردی و اجتماعی مخاطبین و هدف پیش‌رو، باید همچون رژیم غذایی، حاوی برخی سازه‌های زبانی باشد و از کاربرد برخی سازه‌های دیگر نیز دور باشد. به عنوان مثال در شرایط جنگی، کاربرد سازه‌های زبانی که رگه‌های ناامیدی را در ذهن مخاطبین خودی تقویت می‌کند؛ هرگز مجاز شمرده نمی‌شود. نیازهای روانی انسان همانند نیاز جسمی وی به انواع مواد غذایی متنوع است. اگر تعیین نوع خوراک روانی روزانه بر اساس اولویت‌های نیاز روانی وی (عطش روانی) تنظیم گردد؛ جذب و بازدهی افزون‌تری مورد انتظار خواهد بود. برای گروه درگیر در یک نبرد، بر حسب شرایط موجود، نیازهای روانی مختلفی مطرح است و فحوای پیام‌های زبانی و غیرزبانی در همین چارچوب تعیین می‌گردد.

مطابق اهداف موجود در برنامه برای هر طبقه دو نوع خوراک زبانی - فکری در نظر گرفته می‌شود:

الف) داده‌ها و تحلیل‌های کلی و عمومی که برای تمامی گروه‌های موجود در یک طیف یکسان است.

ب) داده‌ها و تحلیل‌های ویژه که منحصرأ و به طور مشخص برای هر گروه طراحی می‌گردد.

بنابر این در عملیات روانی، فضای زبانی ایده‌آل شامل به‌کارگیری کلمات، ترکیب‌ها، عبارات، جمله‌ها، بندها و متونی است که از بعد محتوایی برای جناح خودی و جناح دشمن در بردارنده شعارها، اطلاعات و تحلیل‌های لازم باشد. این سازه‌های زبانی که در شکل گفتار و نوشتار و به وسیله انواع مختلف ابزارهای رسانه‌ای منتقل می‌شوند؛ باید در فکر و احساس خودی‌ها آفریننده انگیزه و هیجان حرکت، امید و قدرت باشند و در مقابل روحیه دشمن را به سمت ضعف و یأس و تزلزل سوق دهند. جنس پیام (زبانی یا غیرزبانی)، ماهیت ظاهری و محتوایی آن، نوع وسیله انتقال، نحوه

ارسال و دریافت و همچنین ویژگی‌های فرستنده و گیرنده به اقتضای شرایط و هدف عملیات مشخص می‌شود.

۳- کنش و واکنش زبانی در عملیات روانی

تعامل فکری میان افراد با ارتباط زبانی میسر می‌گردد و این‌گونه است که نقش ابزاری زبان به عنوان رسانه‌ای سریع و دردسترس آشکار می‌گردد. در جنگ روانی ابزارهای زبانی خاص در مسیر تخریب اندیشه و قدرت تصمیم‌سازی حریف به کار می‌افتد و در دفاع روانی نیز ابزارهای زبانی به حفظ روحیه نیروهای خودی کمک می‌کند.

برداشت انسان‌ها از جهان واقعی بر اساس اطلاعاتی شکل می‌گیرد که از راه حواس کسب نموده‌اند. این درونداد برداشتی، متأثر از فرآیندهای پیچیده ذهنی است که به پردازش معنایی و درک منتج می‌شود. بخش بزرگی از تولیدات ذهنی دیگران و دریافت‌های ما از طریق شنیدن و خواندن منتقل می‌گردد. بنابراین هرگونه القاء زبانی حاوی داده یا داده‌هایی است که مستقیم و غیرمستقیم بر جهان‌بینی، نگرش و نتیجه‌گیری انسان‌ها اثرگذار است. (Kreuz, 2004)

پیچیدگی‌های زبان کمتر از پیچیدگی‌های ذهن خارق‌العاده انسان نیست؛ به همین علت در تعاملات زبانی میان انسان‌ها نباید همواره توقع وضوح و صراحت داشت. همان‌طور که ذهن انسان ممکن است از افشای واقعیت شانه خالی کند؛ زبان نیز به دلایل متعدد در بسیاری از اوقات، ناقل واقعیت نیست. بیان یا عدم اظهار یک کلمه یا جمله در زمان و مکان خاص و همچنین کیفیت بیان، به عوامل بی‌شماری مربوط می‌شود که فکر و احساس انسان دست‌اندرکار پردازش و محاسبه آنها است. نقل و انتقال داده‌ها با ابزار زبانی همیشه بی‌کم و کاست و کامل نیست. اطلاعاتی که زبان محمل انتقال آنها می‌شود؛ همواره تحت تأثیر گرایشهای ذهنی گوینده یا نویسنده قرار می‌گیرند و به عمد یا ناخواسته دستخوش تغییر و تحریف می‌شوند. گاهی به منظور ایجاد ذهنیت مورد نظر در مخاطب، بهترین گزینه انتقال بی‌کم و کاست داده‌های زبانی است و گاهی نیز ممکن است در حجم و فحوای اطلاعات، دستکاری و جهت‌دهی صورت پذیرد. به این ترتیب گاهی مخاطب از واقعیت دور می‌شود و بر اساس کیفیت داده‌ها و نوع تدوین آنها، ذهن وی درگیر پردازش متفاوتی خواهد شد.

گزینش اطلاعات بر اساس اولویت‌ها و همچنین پیام سازی نیاز به طی فرایند دقیق ذهنی - زبانی دارد. قرار دادن اندیشه در قالب زبان و انتخاب مناسب‌ترین واژگان و ترکیبات و همچنین به‌کارگیری ساختار منطقی مناسب، بخشی از این فرآیند است. برقراری ارتباط زبان با تجربیات جهان خارج و اجتماعات انسانی که خواه ناخواه نقش مخاطبین زبانی در عملیات روانی را به عهده می‌گیرند؛ بخش دیگری از روند عملیات پیام‌سازی را شامل می‌شود. در عین حال توجه به موقعیت‌های کاربردی و معنایی عناصر زبانی نیز مسئله پراهمیتی است که نباید فراموش گردد.

۳/۱- جمله پردازی و مفهوم سازی

بخش اعظم شاکله فکر اجتماع برخاسته از القائات زبانی تولیدکنندگان اندیشه است که از طریق زبان منتقل می‌گردد و بسیاری از اوقات، بیان یک جمله یا حتی کلمه در یک مصاحبه مطبوعاتی سرنوشت‌ساز است. در عملیات روانی این پیام‌ها بر مبنای سیاست‌های زبانی شکل می‌گیرند و تاکتیک‌ها یا شگردهای متنوع زبانی، کیفیت و چگونگی کارکردهای زبانی را مطابق پیامدهای قابل پیش‌بینی تعیین می‌کنند. زبان از یک سو با تکیه بر قدرت پردازش ذهن و از سوی دیگر با استفاده از میزان اطلاعات نسبی (ناقص) موجود در حافظه، قادر به خلق جمله‌ها و ترکیباتی است که ممکن است به دلیل استحکام بیان، واقعی و صحیح تلقی گردند. برای استفاده عملیاتی از زبان لازم نیست به همه داده‌های مربوط دست یافت؛ در خیلی از موارد با دستیابی به اطلاعات مبهم یا ناقص و با بهره‌گیری از اصول معناشناسی می‌توان عملیات روانی را سازماندهی و آغاز نمود و به نتیجه رساند.

۳/۱/۱- فضا سازی ذهنی با تحریف زبانی

با زبان می‌توان اطلاعاتی را محرز و اثبات شده نشان داد که یا واقعیت دارند، یا هنوز اثبات نشده‌اند و یا کاملاً نادرست و تحریف شده هستند. در مثال‌های زیر به جمله‌های هدف‌داری اشاره می‌شود که بدون تضمین شرط صحت اطلاعات، با تلفیق تصورات نویسنده مقاله با واقعیت تولید شده‌اند:

«دونالد رامسفلد، طراح اصلی عملیات یازده سپتامبر حضور بلندمدت آمریکا در

عراق را اجتناب‌ناپذیر دانست.»

«القاعده یک گروه تروریستی است که سازمان جاسوسی آمریکا به منظور تحقق اهداف پنهان خود بنیان نهاده است.»

«دمکراسی غربی کانالیزه کردن افکار مردم در چارچوب حصار بلند تبلیغات است و در واقع هرگز وجود ندارد.»

«برپایی جنبش‌های دانشجویی در ایران، بخشی از فعالیت‌های پنهان سیاسی دولت جمهوری اسلامی به منظور تخلیه انرژی پتانسیل دانشجویی در مسیرهای کنترل شده است.»

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قادر است تنها در مدت پانزده ساعت بیش از دوازده میلیون نیروی بسیجی را در قالب گردان‌های رزمی - عملیاتی تجهیز و پشتیبانی کند.»

«شب گذشته یک کشیش مسیحی توسط جوخه‌های ترور رژیم صهیونیستی مورد هدف قرار گرفت و کشته شد.»

«در ایران رضایت عمومی باعث شد که مراسم سنتی نوروز، با شور و حرارت بیشتری برگزار گردد.»

«مضمون ملاقات مخفیانه شارون با عضو ارشد القاعده فاش شد.»

«آمریکا حق دارد که در عراق از خود دفاع کند.»

به عنوان نمونه در جمله آخر تلویحاً حضور آمریکا در سرزمین عراق، موجه و قانونی جلوه داده شده است و به تبع آن حق دفاع هم منطقی و قابل قبول جلوه می‌کند؛ حال آنکه اساساً حضور آمریکا در کشور عراق توجیه قانونی ندارد و دفاع وی هم غیرقابل توجیه تلقی می‌گردد. چنین جمله‌هایی که با هدف مشخص تولید می‌گردند؛ بار روانی لازم را با خود حمل می‌کنند و در ذهن مخاطب این باور را تلقین می‌کنند که این حضور، بدیهی و لازم است و بنابراین دفاع هم طبیعی و منطقی است. همچنین در ترکیب زبانی جهت‌دار «حق و تو»، «وتو» (veto) به عنوان یک حق مطرح می‌گردد؛ حال آنکه «وتو» قانون کاملاً ظالمانه‌ای است که در نقطه مقابل حق و عدالت قرار گرفته است.

در جمله «آمریکا مصمم است که فلوجه را از مردان مسلح پاک سازد و آرامش را به آن برگرداند.» به نظر می‌رسد که فلوجه با آفتی به نام «مردان مسلح»، «آلوده» شده است و آمریکا درصدد زدودن این آلودگی است. (BBC, 7/4/2004)

همان‌طور که مشاهده می‌شود؛ در سطح جمله به راحتی مفاهیم ذهنی واقعی و غیرواقعی امکان ظهور زبانی می‌یابند. مهم این است که اگر این تولیدات در چرخه تبلیغات رسانه‌ای قرار گیرند؛ اشاعه و رواج آنها قطعی است.

۳/۱/۲- کارکرد روانی نام‌گذاری

حاصل ارتباط زبان با روان انسانی در انتخاب نام برای افراد، اشیاء، محصولات و پدیده‌ها نیز قابل مشاهده است. انتخاب نام یک عملیات نظامی (مثلاً طریق القدس) هماهنگ با آرمانها، اهداف و با در نظر گرفتن گرایشهای روحی - روانی مردم و نیروهای نظامی صورت می‌گیرد. بر این اساس گزینش یک نام می‌تواند درست یا نادرست باشد.

«یک نمونه کلاسیک از دستکاری (زبانی) را می‌توان در سیاست زبانی آلمان نازی یافت. وزارت مطبوعات طی دستورهای روزانه‌ای که نخست مقررات زبانی نامیده می‌شد و بعداً نام آن به راهنمایی‌های روزانه از سوی وزیر مطبوعات تغییر کرد؛ صریحاً به این نوع امر و نهی زبانی می‌پرداخت :

۲۰ مارس ۱۹۳۴ - به جای اصطلاح روز عزای ملی اصطلاح روز یادبود قهرمانان به کار برده شود.

۱۳ دسامبر ۱۹۳۷ - اسم جامعه ملل از امروز نباید در مطبوعات آلمان دیده شود؛ این اسم دیگر وجود ندارد.

۱۴ ژانویه ۱۹۳۹ - این یک دستور جدی به مطبوعات آلمان است : از این پس آدولف هیتلر فقط باید به نام پیشوا خوانده شود.» (باطنی، ۱۳۷۵، ۱۵)

ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۹۸ میلادی در حمله به مصر مدعی شد که هدفش «آزاد کردن مصریها از چنگال ظلم حاکمان» است و حتی لقب «حامی اسلام» را به خود داد. وی بیانیه‌اش با چنین جملاتی شروع کند : «به نام خداوند بخشنده مهربان، نیست خدایی جز خدای یکتا، فرزندی ندارد □» (ayandehnegar.2004).

بوش همراه با مطرح ساختن «جنگ خیر و شر»، آمریکا را در جناح خیر و مخالفین را در جناح شر قرار می‌دهد.

کاربرد این قبیل ترکیبات واژگانی بر مبنای برنامه‌ریزی‌های زبانی و با هدف رواج یا تثبیت ذهنیت یا احساس روانی خاص صورت می‌گیرد. کاربرد این فرایندها برای

ایجاد ذهنیت در مخاطب رواج فراوانی دارد. ترکیباتی چون «جنگ پاکیزه و بهداشتی»^{۱۷)}، «نظم نوین جهانی»^{۱۸)}، «عملیات آزادسازی عراق» با این هدف تولید می‌گردند. همچنین می‌توان از این شیوه به منظور کم‌رنگ‌سازی یا جایگزینی باورهای فرهنگی و سیاسی و اجتماعی نیز بهره برد. باورهای ذهنی موجود در هر جامعه مانند حصارهای ذهنی در برابر اعتقادات و روحیات متضاد مقاومت می‌کند و در دفاع روانی نقش دارد. انتخاب نام برای افراد یا تکرار کلماتی چون «حسین» و «کربلا» در مناسبت‌های مختلف، باعث تلقین روحیات و منش حسینی در فرهنگ است. این واژه‌ها در روند عملیات روانی، تحکیم بخش همه روحیاتی است که لازمه عزت، آزادگی و جانفشانی شمرده می‌شود.

بر این مبنا هدایت زبانی و روانی کلیه دست‌اندرکاران امور در سطوح مختلف و هماهنگ کردن آنان به منظور محور قرار دادن شعارها، ترکیبات و تأکیدات زبانی خاص ضرورت پیدا می‌کند. اعلام سال ۱۳۸۳ به عنوان «سال پاسخ‌گویی مسئولان به مردم» اعلام یک سیاست است که در شکل زبانی تجلی یافته است و سمت و سوی بسیاری از شیوه‌های تاکتیکی عملیات روانی پیش‌رو را تعیین می‌نماید.

۳/۲- ابزارهای زبانی در فضا سازی روانی

عناصر مؤثر در ماهیت و کیفیت داده‌های زبانی در شکل سازه‌های خاص زبانی ظاهر می‌شوند و در هر عملیات روانی به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرند. بخشی از سازه‌های معنایی به‌طور معمول در زمره زمینه‌های ادبی شمرده می‌شوند و در حوزه ادبیات مطرح می‌گردند؛ ولی در اینجا کاربرد و نقش زبانی آنها مورد نظر است و طبعاً از این منظر مورد تحلیل قرار می‌گیرند. آن گروه از تولیدات زبانی مورد استفاده در عملیات روانی که با وسعت فراوانی به کار برده می‌شوند؛ اغلب در شکل سازه‌های زبانی زیر ارائه می‌گردند:

قاطعیت یا تردید: عموماً در موارد مختلف انتقال زبانی، قاطعیت در بیان، نقش مهم و مؤثری را ایفا می‌کند. قاطعیت حساب شده در اظهار نظر و تحلیل، در مخاطب اطمینان کامل نسبت به صحت و استناد مطلب ایجاد می‌نماید و جایی برای بحث و تردید باقی نمی‌گذارد. «وقتی تبلیغات، موضوعی را با قاطعیت کامل و بدون کوچک‌ترین مکشی بیان کرد؛ تأثیر آن در شنونده یا بیننده بیشتر خواهد بود.» (سروی،

۱۳۷۵، ۱۲۶) در مقابل اظهار کلام و بیان مطلب همراه با شک و تردید، حس عدم اعتماد نسبت به صحت و استحکام آن مطلب را در مخاطب برمی‌انگیزد.

سانسور: دست‌چین کردن اطلاعات یا گزینش اطلاعات مطلوب و عدم اشاره به اطلاعات نامطلوب نیز از زمینه‌های بسیار رایج در عملیات روانی است. معمولاً این‌طور به نظر می‌رسد که زبان بازگوکننده ذهنیات واقعی گویشوران آن است؛ ولی اگر کمی موشکافانه به کاربرد رایج زبان توجه کنیم، درمی‌یابیم که در بسیاری از موارد زبان برای پوشانیدن و استتار واقعیات مورد استفاده قرار می‌گیرد. ذکر برخی از اطلاعات واقعی و کنار گذاشتن برخی اطلاعات با این هدف صورت می‌پذیرد که در مخاطب، تفکر و ذهنیت خاصی ایجاد شود. هنگامی زبان برای مخفی نگه داشتن واقعیت به کار می‌رود که اشاره بی‌پرده به واقعیت، واکنش دلخواه را در مخاطب ایجاد نمی‌کند. عدم اشاره به داده‌های غیرمفید یا غیرلازم (به زعم گوینده) عموماً با دست‌چین کردن و سانسور اطلاعات همراه است. به گفته رابرت سوث^(۱۹) «زبان به انسان‌های معمولی برای این داده شده است تا مافی الضمیر خود را بیان کنند؛ اما به انسان‌های زرنگ‌تر برای این داده شده تا مافی الضمیر خود را پنهان کنند.» (باطنی، ۱۳۶۷، ۱۸) به پوشاندن واقعیت و عدم بیان آن با انگیزه مشخص، کتمان یا پنهان‌کاری نیز گفته می‌شود.

ناسزا: به کلمات و عبارات توهین‌آمیزی گفته می‌شود که برای خالی کردن خشم و نفرت و رنجاندن دیگری به زبان می‌آید. رجزهای باستانی توهین‌آمیز با اهداف مختلفی بیان می‌گشت که یکی از آنها خارج ساختن حریف از حالت تعادل روانی بود. توهین‌زبانی حتی با استفاده از کلمات یا عبارات محترمانه نیز قابل بیان است و این رویه در رسانه‌های عمومی رواج دارد.

دروغ: بر حسب اینکه نیت فرد از ذکر مطالبی که بر ذهنیات واقعی وی تکیه ندارد چه باشد؛ به این شیوه فریب کارانه زبانی عنوان‌های متفاوتی داده شده است. دروغ، یکی از تاکتیک‌های عملیات روانی است که در سایر زمینه‌های کاربردی زبان‌در عملیات روانی مانند شایعه، تهمت، تملق، اغراق و تحقیر نیز نقش دارد.^(۲۰)

همچنانکه در عملیات نظامی فریب دشمن امر ضروری و پسندیده‌ای تلقی می‌شود؛ در تهاجم زبانی به دشمن نیز خروج از معیارهای واقعیت و دروغ‌پردازی ناپسند نیست. نکته اینجاست که با این شیوه فضای روانی ذهن مخاطب به سمتی

متفاوت با واقعیت سوق داده می‌شود و به این ترتیب مفاهیم، علائم و قرائن نادرست مورد پذیرش قرار می‌گیرند. بدون شک عرضه اطلاعات غلط و پیامهای ایضایی، تصمیمات و برنامه‌های حریف را از مسیر درست خارج می‌کند.

همان‌طور که انتقال اخبار صحیح به دشمن در زمینه استعداد نیروها، میزان تجهیزات و مهمات، تعداد کشته‌ها و مجروحین، میزان تخریب مراکز، مواضع تجمع نیروها و راهکارهای عملیاتی منطقی نیست؛ در عملیات روانی برای فریب دشمن، ساخت پیام‌های زبانی انحرافی و ایضایی اجتناب‌ناپذیر است.

شایعه (rumor): رواج همه‌گیر خبری است که از واقعیت به دور است و صحت ندارد. «شایعه، آن‌طور که ما ملحوظ می‌داریم، عبارت است از یک گزاره خاص گمانی بدون وجود ملاک‌های اطمینان بخش رسیدگی (secure standards evidense) که معمولاً به صورت شفاهی از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد.» (Allport & Postman, 1984, 9)

تهمت: (بهتان) نسبت دادن کلام یا عملی است به دیگری به منظور آسیب رساندن به وجهه و شخصیت وی.

تحقیر: ذکر کلمات و عباراتی است که شأن و منزلت و شخصیت دیگری را کاهش می‌دهد.

وعده توخالی: قولی است که گوینده قصد تحقق بخشیدن به آن را ندارد. اغراق (hyperbole): (بزرگ‌نمایی) به زیاده روی زبانی در انعکاس موضوعی گفته می‌شود و در ادبیات به مبالغه معروف است. گاهی نیز از اغراق تحت عنوان برجسته سازی (topicalization) یاد می‌گردد که مقصود از آن بزرگ جلوه دادن موضوعی بسیار بیش از حد واقعی آن است. هر گاه اغراق بر بزرگ‌نمایی و تمجید افراطی از شخصیت یک فرد یا گروهی از افراد متمرکز گردد؛ به آن تملق می‌گوییم. تملق در واقع تعریف و تمجیدی است که با هدف جلب محبت دیگری گفته می‌شود.

استعاره (metaphor) و تشبیه (simile): استعاره از مهم‌ترین صنایع ادبی است که از طریق، آن درک و تجربه یک چیز، با استفاده از چیز دیگر صورت می‌گیرد. به عنوان نمونه بوش از «صدام» به عنوان «هیتلر» دیگری یاد می‌کرد. رادیو بغداد به «خلبانان امریکایی»، «موش صحرایی و جانوران خون‌آشام» لقب می‌داد و یک سرهنگ امریکایی یکی از حمله‌های هوایی را چنین توصیف می‌کرد: تقریباً مثل این می‌ماند که

شب وارد آشپزخانه شده، چراغ را روشن کنید و ببینید «سوسک‌ها» از همه طرف با دستپاچگی از این سو به آن سو می‌دوند و شما آنها را می‌کشید. (ayandehnegar.2004)

همچنین تشبیه، مانند کردن چیزی است به چیز دیگر از نظر صفات یا حالاتی به وسیله ادات تشبیه از قبیل چون، مانند، و غیره. (کریمی، ۱۳۷۲، ۱۲۴) بر مبنای همجواری و همنشینی تکواژها، تشبیهات استعاره‌های سیاسی و ادبی، تجاری و غیره با هدف فضاسازی روانی تولید می‌گردند.^(۳۱)

تکرار (repetition): عبارات معمولاً عامل توجه بیشتر، تمرکز، تلقین و باور می‌گردد.^(۳۲) این قبیل مضمون‌پردازی‌ها وسیله مطمئنی است که در ایجاد اغتشاش ذهنی و آشفتگی فضای تبلیغاتی علیه حریف، کاربرد ویژه دارد. مطرح ساختن خطر قریب الوقوع سلاح‌های شیمیایی عراق و تکرار این مضمون از زبان شخصیت‌های مختلف و به دفعات زیاد، یک عملیات روانی گسترده بود که از طریق زبان انجام گرفت و زمینه ذهنی لازم برای عملیات اصلی را فراهم نمود.

همنشین کردن نام «جمهوری اسلامی ایران» با ترکیباتی چون «نقض حقوق بشر» و «تسلیمات اتمی» بی‌دلیل نیست. استعمال مکرر این گونه ترکیبات زبانی توسط مسؤولان آمریکایی و اروپایی و پخش متوالی آنها از رسانه‌های جمعی، در نهایت مخاطبین را وادار به پذیرش مضامین موجود در این ترکیبات خواهد نمود.

سکوت^(۳۳): بر اساس تاکتیک زبانی در مقاطع زمانی خاصی که مخاطب در انتظار واکنش است؛ گاهی سکوت یا عدم واکنش زبانی، بهترین گزینه است. «گاهی عملیات دشمن مهم و قابل توجه نیست؛ گاهی هدف دشمن تحریک کارشناسان عملیات روانی برای پاسخ‌گویی عجولانه و انفعالی است و در برخی موارد نیز عملیات روانی دشمن کاملاً ایضایی و برای منحرف نمودن قابلیت‌ها و امکانات از عملیات اصلی است. سکوت و بی‌اعتنایی در بعضی موارد مانند نوعی مبارزه منفی بسیاری از سخنان و سازه‌های زبانی - روانی دشمن را بی‌اعتبار می‌سازد. گاهی طرف مقابل در انتظار سخن شماسست تا از این طریق به افکار شما پی ببرد و بدین‌وسیله تصمیم مقتضی را اتخاذ کند. در این قبیل موارد نیز سکوت می‌تواند در برنامه ریزی و تصمیم‌گیری طرف مقابل خلل ایجاد کند. البته هنگامی که عملیات روانی دشمن مؤثر واقع شده باشد؛ شیوه سکوت، روش کارآمدی نیست.»

در همین راستا سازه‌های شکلی و معناشناختی مانند جا به جایی کلمه‌ها، ابهام، ساخت نحوی متوازن (parallelism)، اشباع (بمباران اطلاعاتی)، تلقین، تضاد (antithesis)، تحکم، ابهام (ambiguity) ترغیب، تطمیع، تهدید، تمسخر، غافلگیری زبانی، تأخیر زبانی، جناس، وزن، قافیه، اقرار و اعتراف قابل طرح است که همگی از مؤلفه‌های عملیات روانی محسوب می‌گردند.

۳/۳- تهاجم و دفاع زبانی

این فرایند شامل تولید سازه‌های زبانی (واژه، ترکیب، عبارت، جمله، بند، متن) به منظور انتقال پیام و ایجاد فکر یا حس مورد نظر در مخاطب است. در این فعالیت‌های پیش‌دستانه، از موضوعاتی که ممکن است در عملیات روانی مورد استفاده دشمن قرار گیرند؛ بهره‌برداری مناسب و به موقع صورت می‌گیرد. گاهی نیز با کمک همین شیوه، مستقلاً بر مبنای مستندات و شواهد، سازه‌های تهاجمی - زبانی و اخبار، مطابق با نیازهای عملیات روانی تولید می‌گردد. در این میدان مانند میدان مسابقه، قبل از آنکه از حریف ضربه‌ای دریافت شود؛ باید به وی ضربتی وارد کرد. برای مثال ترکیب «رژیم اشغال‌گر قدس» ترکیب هجومی مناسبی است؛ ولی ساخت این قبیل ترکیبات نباید محدود و عقیم باقی بماند.

این نوع عملیات هم شامل طراحی پاسخ‌های دندان‌شکن مستقیم و غیرمستقیم به ادعاها و پیام‌های حریف است و هم شامل تولید سازه‌های زبانی به منظور خنثی‌سازی پیام یا از میان بردن فکر و احساسی می‌گردد که حاصل تهاجم زبانی قبلی حریف به اردوگاه خودی بوده است. پاسخ‌گویی و واکنش مناسب و به موقع به عملیات روانی حریف با توجه به نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های وی، و نقاط قوت طرف خودی صورت می‌گیرد. (Watt, 2003)

پشتیبانی مناسب از جبهه خودی و گروه‌هایی که بیش از دیگران در معرض صدمات روانی دشمن قرار گرفته‌اند نیز یکی از وظایف مدافعان به شمار می‌رود. در برابر هر واژه و ترکیب هجومی باید واژگان و ترکیب‌های دفاعی شفاف، مناسب و پرمعنا تولید نمود و از طرق مختلف اشاعه داد. در برابر هر گونه هجوم روانی، به موازات استفاده از شیوه‌های غیر زبانی دفاع روانی، پدافند زبانی - روانی موضوعیت پیدا می‌کند. تکرار این سازه‌های زبانی در دفعات فراوان و به‌کارگیری آنها در سرودها،

اشعار، کتب درسی، رسانه‌ها و آثار هنری به رواج آنها و ایجاد ذهنیت و هیجان مورد نظر در مخاطب کمک خواهد کرد. در روند عملیات روانی به فراخور شرایط و نیازها، همواره هجوم و دفاع زبانی - روانی مستمر در دستور کار قرار می‌گیرد.

۳/۴- آثار روانی واژگان بیگانه

نفوذ یک زبان در زبان دیگر، یا برآیند طبیعی نیازهای مختلف هنری، صنعتی، اجتماعی و یا ناشی از تغییرات شدید سیاسی و شکست‌های نظامی است. برقراری رابطه بین جوامع مختلف از الزامات زندگی بشری است و هجوم زبانی از تبعات این‌گونه روابط است. بروز تغییرات سنگین و همه‌جانبه زبانی گرچه هرگز مطلوب نیست؛ ولی حاصل نقش بسیار فعال ارتباطی زبان به شمار می‌رود. معمولاً جهت نفوذ زبانی از جانب جامعه مقتدر به سمت جامعه ضعیف است و در نهایت منجر به شکستن ساختار زبانی، روانی و فرهنگی حریف می‌شود. نفوذ یا هجوم زبانی به تغییرات سریع زبانی اطلاق می‌شود که منشأ آنها در خارج از محدوده یک زبان قرار دارد. در این حال پس از گذشت مدتی شکل جدیدی از زبان پدید می‌آید که نمی‌توان آن را گونه‌ای تحول یافته به حساب آورد.

اگرچه برقراری ارتباط با جامعه بیگانه به منظور رفع احتیاجات صورت می‌گیرد؛ ولی تأثیرات نامطلوب روانی ناشی از واژه‌پذیری گسترده، قابل انکار نیست. به عنوان مثال ورود انواع محصولات خارجی و تسخیر بازار داخلی توسط این محصولات، نشانه نوعی عدم توانایی در تولید محصولات مناسب داخلی است و تلویحاً نوعی ضعف تلقی می‌گردد که خواه ناخواه عنصر حقارت را به روح جامعه تلقین می‌کند. در تهاجم زبانی نیز ورود بی‌حد و حصر عناصر واژگانی، دستوری و اصطلاحات به زبان، از دید آحاد آن جامعه زبانی، در واقع اعتراف تلویحی به عدم توانایی زبان در تولید واژگان و ترکیبات مناسب داخلی است و حس اعتماد به نفس آن جامعه زبانی را خدشه‌دار می‌سازد.

این پُرسرفت از این جهت ناگوار است که نوعی خودباختگی و عدم اعتماد به نفس زبانی را با خود به همراه دارد و این عدم اعتماد زبانی، همچون نمادی از ناتوانی تا اعماق ارکان فرهنگی جامعه نفوذ می‌کند. به بیان دیگر رویکرد یک زبان به زبان دیگر ناشی از نوعی نیاز است و بدیهی است که طرح نیاز از زبانهای دیگر، در نهایت باعث

حقارت آشکار یا پنهان فرهنگی می‌گردد. نکته اینجاست که این حس، در چهارچوب زبان محدود نمی‌ماند و سایر ارکان اجتماع را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا زبان پدیده‌ای است که بر کل ساختار جامعه اثرگذار است.

استفاده از زبان دیگران همچون به کار گرفتن سایر مؤلفه‌های فرهنگی، رفته رفته بسترهای روحی و روانی را برای ورود شالوده فرهنگ بیگانه فراهم می‌کند و نفوذ زبانی با چنین هدفی صورت می‌گیرد. دقت و حساسیت در خصوص زبان عمومی مورد استفاده مردم، عامل مهمی در جلوگیری از دخالتها و تجاوزات غیرمجاز زبانی است. شناخت گلوگاه‌های واژگانی و تأمین نیازهای روزافزون جامعه زبانی از وظایف زبان‌شناسان است. حصول به این هدف که منجر به افزایش امنیت و سلامت روانی جامعه می‌گردد؛ جز با برنامه‌ریزی همه جانبه، دقیق و حساب شده زبانی ممکن نیست.

د) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- جمع‌بندی

زبان به عنوان همزاد دیرین بشر، با زندگی و تفکر انسان رابطه فوق العاده نزدیک و تنگاتنگی داشته و دارد. زبان به مفهوم عام خود، ابزار منحصر به فردی است که در این عصر پایه اصلی پیام‌رسانی و نبرد فرهنگی و روانی محسوب می‌گردد. در واقع دریافتهای زبانی عاملی کاملاً مؤثر در افزایش معلومات و همچنین تنظیم رفتار انسانها و ایجاد احساس روانی مورد نظر است. به‌سخن دیگر، هم رفتارهای حرکتی (motor behaviour) مثل انجام یک عمل و هم رفتارهای ذهنی (mental behaviour) مانند تفکر و استدلال و استنتاج بیش از همه ناشی از داده‌های دریافتی زبانی است. چنانچه این داده‌ها در جهت خاصی متمرکز گردند و در راستای اهداف عملیات روانی سازمان یابند؛ بسیار نافذ و اثربخش می‌گردند.

استفاده از نشانه‌های آوایی و گرافیکی زبان در چارچوب ساخت زبانی مشخص، تداعی‌کننده مصادیق ملموس یا مجردی است که از آنها تحت عنوان تعبیرهای برداشتی یاد می‌کنیم. کیفیت و کمیت سازه‌های زبانی به همراه صنایع ادبی - زبانی، زمینه‌زایش احساسات، تفکرات، استنتاج و حتی کنش انسانها را شکل می‌دهد. در این مقاله آشکار شده است که ابعاد روان‌افزایی یا روان‌کاهی زبان حتی تا اعماق دنیای خیال و احساس آدمی پیش می‌رود و مرزهای منطق را پشت‌سر می‌گذارد. طبق فحوای مقاله همین

قابلیت سلاح بسیار کارآمدی محسوب می‌شود که در عملیات روانی و در صحنه حمله و دفاع روانی به کار می‌آید.

در دنیای کنونی بررسی نحوه کاربرد و عمل ابزارهای گفتاری و نوشتاری در جنگ و دفاع روانی از اهمیت به‌سزایی برخوردار شده است. زبان که همواره در دسترس انسان است و به سادگی و سهولت مورد استفاده وی قرار می‌گیرد؛ هرگز محدود به ماده ظاهری خود (یعنی صوت یا نشانه‌های الفبایی) نیست. در پس این نشانه‌های صوتی و محسوس، دنیای بی‌کران روح و روان آدمی قرار دارد که کاملاً تجربیدی و غیرملموس است. نوع محتوا و زمان و مکان کارکرد زبان و همچنین ماهیت سازه‌های زبانی در برنامه‌ریزی عملیات روانی تعیین می‌گردد؛ بدان‌گونه که نهایتاً در وجود مخاطب منجر به بروز کنش‌ها و واکنش‌های روانی و عملی مورد نظر گردد. پرداخت تکواژها و ساخت‌های بزرگ‌تر (واژه‌پردازی و جمله‌پردازی) با هدف مفهوم‌سازی، فضا‌سازی ذهنی، تحریف و تهاجم و دفاع روانی صورت می‌پذیرد و به این ترتیب، عناصر صوتی، دستوری و معنایی زبان در خدمت عملیات روانی قرار می‌گیرد.

بسیاری از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان، عملیات روانی را خطرناک‌ترین نوع نبرد تلقی می‌نمایند؛ چرا که روحیه، عقاید، احساسات و تمایلات را هدف قرار می‌دهد. این امر تلاش در برپایی نظام دفاع روانی برای مقابله با چنین تهدیدهایی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. لذا با توجه همبستگی ناگسستگی زبان و ذهن، اهمیت شناخت زبان با بررسی‌های کاربردی زبان شناختی در مجموعه پژوهش‌های نظامی بیش از پیش آشکار می‌گردد.

۲- استنتاج‌های پژوهش

توسعه و تکامل ارتباطات، به ارتقاء جایگاه زبان در این بُعد منجر شده و فناوری مدرن ارتباطی در خدمت زبان قرار گرفته است. این فرایند باعث افزایش فوق‌العاده و فزاینده قابلیت پیام‌رسانی زبان شده است. همه دست‌اندرکاران تولید زبانی قادرند با تنظیم هدفمند گفتار و نوشتار خویش، استفاده بهینه از زبان را در عملیات روانی تضمین نمایند. رسانه‌های جمعی به هنگام فرآوری و انتقال پیام‌های زبانی و تصویری عملیات روانی قادرند بر حسب حجم، جهت، ترتیب و کیفیت پیام‌ها به گونه‌ای انتقال پیام‌های زبانی را مدیریت کنند که منجر به ورود مخاطب در مسیر تعیین شده گردد. در عصر ارتباطات نباید این کارکرد طلایی زبان را ناچیز شمرد و از کنار آن گذشت. نحوه

عمل زبان در روان انسان از طریق ژرف‌نگری در ساختار صوری و معنایی زبان و درک متغیرهای زمان و مکان در کنار عوامل معنا ساز زبانی توجیه می‌شود و مسیر ایده آل رفتار زبانی و واکنش روانی آن را در گوینده و شنونده قابل پیش بینی می‌نماید. کوتاه سخن آنکه با تأمل در داده‌های مورد پردازش این پژوهش و جمع بندی نکات تحلیلی مقاله، عطف توجه به نکات ذیل، ضروری به نظر می‌رسد:

۲/۱- پیشرفت فناوری بُرد و نفوذ زبان را در افکار به شدت افزایش داده است و از این رهگذر امکان مخاطب‌سازی جمعیت‌های عظیم فراهم شده است.
 ۲/۲- سهولت در برقراری ارتباط و تکامل شیوه‌های اطلاع‌رسانی و روش‌های عملیات روانی، بیش از همیشه کاربرد زبان را توسعه داده است.
 ۲/۳- امروزه عملیات روانی نوین با ابزار زبان فرایندی برنامه‌ریزی شده و سیستماتیک است.

۲/۴- پیشرفت روش‌های افکار سنجی، بررسی آرا و عقاید عمومی باعث تعمیق شناخت مخاطبین و افزایش دقت هدف‌گیری در عملیات روانی شده است.
 ۲/۵- زبان‌شناسی عملیات روانی به عنوان یکی از عوامل قدرت در کنار سایر عوامل اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی مطرح شده است.
 ۲/۶- به مقتضای ویژگی‌های ذهنی زبان، حین بیان مطالب (شفاهی، کتبی و حدیث نفس)، تأثیرگذاری نسبی زبان بر خود فرد و مخاطب اجتناب‌ناپذیر و قطعی است.

برای انسان که موجودی اجتماعی است؛ خودداری از پیام‌گیری زبانی غیرممکن فرض می‌شود. به این ترتیب باید پذیرفت که با استفاده از زبان، امکان اثرگذاری یا اثر پذیری بسیار گسترده است. در همین زمینه، قابلیت‌های زبان به اشکال مختلف زیر ظهور می‌یابند:

- الف) امکان انتقال رخدادهای واقعی را فراهم می‌کند.
- ب) پیش از انتقال پیام، امکان انتخاب رخدادهای مورد نظر (جهت‌مند) را از بین رخدادهای واقعی فراهم می‌کند.
- ج) امکان تولید و انتقال اطلاعات غیرواقعی را با تکیه بر داده‌های واقعی فراهم می‌نماید. (تلفیقی از اطلاعات صحیح و غلط)
- د) امکان تولید اطلاعات غیرواقعی را با تکیه بر داده‌های خیالی فراهم می‌سازد.

ه) در همه موارد فوق، هماهنگی با هدف عملیات روانی امکان برقراری ارتباط میان اجزای داده‌ها، تحلیل ذهنی و نتیجه‌گیری را در اختیار کاربر زبان قرار می‌دهد.

و) همه استعدادها و قابلیت‌های زبانی فوق، در عملیات روانی که هدف اصلی آن اثرگذاری بر ذهنیات و احساسات است؛ به خدمت گرفته می‌شوند.

۳- پیشنهادها

۳/۱- در مجموعه پژوهش‌های نظامی شناخت کاربردهای روانی زبان اهمیت روزافزونی یافته است و ضرورت ژرف‌نگری بیشتر در سطوح نظری و عملی زبان‌شناسی محسوس است.

۳/۲- بر مبنای یافته‌ها، توجه و حساسیت بیش از پیش به کیفیت روانی مجموعه سازه‌های زبانی که در جامعه زبانی تولید می‌گردند و در معرض نشر و اشاعه قرار می‌گیرند؛ لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۳/۳- در هر عملیات روانی، برنامه‌ریزی زبانی به منظور نیل به اهداف روانی تدافعی و تهاجمی از مقدمات و الزامات اولیه به شمار می‌رود.

۳/۴- اثربخشی روانی با ابزار زبان همواره در ارتباطات انسانی جریان داشته است و باید پذیرفت کارکرد جنگی زبان در مفهوم رایج آن، تنها یکی از نمودهای اثرگذار زبان به شمار می‌آید و به موازات این نوع کارکرد نباید از قابلیت‌های روانی زبان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غفلت ورزید.

یادداشت‌ها

۱- بر این اساس، زبانهای انسانی شامل یک روساخت و یک ژرف ساخت می‌شود. روساخت زبان‌ها در اشکال بسیار متفاوتی ظاهر می‌گردد که حاصل آن ایجاد زبان‌های مختلفی است که بین انسان‌ها رواج دارد؛ ولی ژرف ساخت زبان‌ها که انعکاس ساختار ذهنی انسان است؛ در تمامی زبان‌ها یکنواخت و یکسان است.

۲- *dissonance* عبارت است از ترکیب یک سری حروف در یک کلمه، به طوری که حروف از یکدیگر نفرت داشته باشند و تلفظ آنها دشوار و بدآهنگ باشد. (کریمی، ۱۳۷۲، ۴۳)

- ۳- morphem یا تکواژ، کوچک ترین واحد معنا دار یا نقش دار زبانی است .
- ۴- « فولر » انگلیسی تعریف دیگری ارائه می دهد: « جنگ نظامی باید جای خود را به جنگ روانی ناب بدهد که تلفات این جنگ زایل کردن خرد انسانی، مخدوش کردن هوش انسانی، مضمحل کردن حیات معنوی و اخلاقی یک ملت به وسیله نفوذ (bionvan .1382) در اراده آنهاست . »
- ۵- نجوا یا حدیث نفس، به کلام زبانی انسان با خویشتن گفته می شود که با وجود ساختار کامل دستوری و زبانی، اغلب جوهره صوتی ندارد و فقط به وسیله خود انسان قابل شنیدن است. پایه نجوا بر زبان قرار دارد و هدف تلقینی و مشورتی آن خود فرد است .
- ۶- سن تزو (Sun Tzu) اندیشمند نظامی چین در پنج قرن قبل از میلاد مسیح .
- ۷- تکواژ، کلمه، ترکیب، جمله و متن .
- ۸- به عنوان نمونه اگر بخش انتهایی جمله: « سیاست های آمریکا در منطقه محکوم به شکست است . » را حذف نماییم؛ واژه محذوف تا حد زیادی توسط مخاطب قابل پیش بینی خواهد بود .
- ۹- به گفته ویلیام امپسون « ما هر صورت و طرح زبانی را که در آن واحد بتواند عکس العمل های متفاوتی در ما نسبت به آن قطعه گفتار برانگیزد؛ از جمله ابهامات به حساب می آوریم . » (ساغروانیان، ۱۳۶۹، ۵۰)
- ۱۰- قرینه لفظی، واژه یا عبارتی است که در همان جمله یا جمله های پیشین ذکر شده است و کاربر زبان، خود را از ذکر دوباره آن بی نیاز می بیند. در قرینه معنوی برحسب سیاق کلمه و مفهوم کلی عبارات و جمله ها از ذکر واژگان یا عباراتی بی نیاز می شویم .
- ۱۱- در یک جمله یا متن می توان به گونه ای از یک ضمیر استفاده کرد که بر اساس منطق زبانی، در آن واحد، امکان اشاره به چند اسم وجود داشته باشد. به این ترتیب کاربر زبان این امکان را دارد که برحسب شرایط
- گزینه ای را انتخاب کند که به نفع اوست .
- ۱۲- شعر، سرود، سخنوری، داستان، نمایش نامه، فیلم نامه .
- ۱۳- «از اعصار کهن و فراموش شده، توفانهای عظیم سیاسی - مذهبی تاریخ، همواره نه به وسیله کتابها، بلکه فقط به وسیله یک نیروی واحد و مشترک پدید آمده اند؛ قدرت جادویی کلام. توده های مردم را چیزی جز نیروی کلام به جنبش در نمی آورد. از طرفی جنبشهای بزرگ هم نهضت های توده ای و انفجارهای آتشفشان ماندی هستند ۰۰۰ که گاه خطابه ای که توده ها را همچون مشعلی شعله ور می سازد؛ سبب به وجود آمدن آنهاست.» (هیتلر، نبرد من، به نقل از: جنگ روانی و تبلیغات، ۱۳۷۶، ۱۵۶)

۱۴- Joseph Paul Gobelz / گوبلز از سال ۱۹۳۳ م. تا پایان جنگ جهانی دوم وزیر تبلیغات و اطلاعات آلمان بود.

۱۵- گفتنی است که بخشی از کارکرد نمازهای یومیه نیز تلقین پیوسته عبارات و جمله های زبانی است که در قالب نجوای زبانی در فکر و روح مسلمانان مضامینی را خاطر نشان می سازد و مورد تأکید قرار می دهد.

۱۶- مقصود از سطح زبانی همان سبک زبانی مانوس و کلمات و عباراتی است که به طور معمول، مورد استفاده گروه مخاطبین قرار می گیرد.

۱۷- شبکه سی ان ان که اواخر دهه ۸۰ میلادی پا به عرصه وجود گذاشت، در جنگ خلیج فارس نقش موثر خود را نشان داد، بطوری که با قلب واقعیت، این جنگ خونین و ویرانگر را به صورت یک « جنگ پاکیزه و بهداشتی » به نمایش گذاشت. (ayandehnegar.2004)
 ۱۸- پرزیدنت بوش رئیس جمهور وقت امریکا جنگ خلیج فارس را جنگی در جهت تحقق «نظم نوین جهانی» که نظمی بهتر است، تصویر کرد.

۱۹- Robert South - کشیش و نویسنده انگلیسی قرن هفدهم

۲۰- بوش پس از دستگیری صدام طی سخنانی در کاخ سفید اعلام کرد « به مردم عراق اطمینان می دهم دیگر اتاق شکنجه ای در کار نخواهد بود ! » حال آنکه وقایع زندان ابوغریب کذب این ادعا را ثابت کرد. <http://www.sharghnewspaper.com/15/des/>2003

۲۱- طارق عزیز در مصاحبه ای که از سوی مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک منتشر شد گفت: از من می پرسند مگر شما ویتنامی هستید، شما که جنگل و خندق ندارید. پاسخ من این است که شهرها، خندق و ساختمان ها جنگل های ما هستند. (bionvan.2004)

۲۲- به گفته ژوزف گوبلز «کلیسای کاتولیک از این جهت پایدار مانده که طی دوهزار سال، به طور مرتب یک چیز را تکرار کرده است.»

۲۳- ژوزف گوبلز، پیش از آنکه به جواب گویی بپردازد؛ نتایج حاصله از تبلیغات خود را آزمایش می کرد و در صورتی که مدارک و دلایل کافی برای جواب گویی نداشت؛ سکوت اختیار می کرد. به ادعاها و تبلیغات بی اثر دشمن جوابی داده نمی شد؛ زیرا اگر تکذیب می گردید؛ به اشاعه آنها در میان مردم بیشتر کمک می کرد و انرژی تبلیغاتی نیز به هدر می رفت. « (فیاد، ۱۳۵۵، ۴۲)

منابع فارسی

۱- آقابخش، علی (۱۳۷۸)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران.. بهرنگ.

۲- آپورت، گوردن و پستمن، لئو (۱۳۷۲). روان شناسی شایعه، ترجمه ساعد دبستانی، تهران، سروش.

- ۳- احمدی، بابک (۱۳۷۰)، *ساختار و تأویل متن*، تهران، مرکز.
- ۴- ایران دیدبان (۱۳۸۳)، *شستشوی مغزی*، برخورد با اندیشه . <irandidban.com>
- ۵- اشپنگلر، اسوالد (۱۳۶۹)، *فلسفه سیاست*، ترجمه هدایت‌الله فروهر، تهران، نظر.
- ۶- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۷)، *درباره زبان*، تهران، آگاه.
- ۷- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۹)، *زبان و تفکر*، تهران، فرهنگ معاصر.
- ۸- تزو، سان (۱۳۵۹)، *هنر جنگ*، ترجمه حسن حبیبی، تهران، قلم.
- ۹- باقری کبورق، علی (۱۳۷۰)، *کلیات و مبانی جنگ استراتژی*، تهران، بین‌الملل .
- ۱۰- تافلر، الوین (۱۳۶۲)، *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نو.
- ۱۱- تافلر، الوین (۱۳۷۴)، *جنگ و پادجنگ*، ترجمه مهدی بشارت، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۱۲- *روزنامه جمهوری اسلامی* (۱۳۸۲)، «متولیان سیاسی و فرهنگی واصل مقابله باجنگ روانی»، <jomhourieslami.com>
- ۱۳- «جنگ روانی و تحریف واقعیات در رسانه‌های جهانی، انحصار رسانه‌ای در عصر اطلاعات»، سایت آینده‌نگر. <[ayandehnegar.org / 2003](http://ayandehnegar.org/2003)>
- ۱۴- «جنگ روانی و نیازمندیهای آن چیست؟»، سایت بی‌عنوان، شبکه خبر دانشجو، دفتر مطالعات سیاسی دانشگاه صنعتی شریف. <bionvan.com/1382>
- ۱۵- چندلر، رابرت دبلیو. (۱۳۷۹)، *یورشهای تبلیغاتی آمریکا در جنگ ویتنام*، ترجمه مصطفی ملکوتیان، تهران، همراه.
- ۱۶- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۸)، *زبان‌شناسی نظری*، تهران، سخن.
- ۱۷- رومستایی، فرزانه (۱۳۸۳)، «استالینگراد حزب بعث»، سایت بی‌عنوان، شبکه خبر دانشجو، دفتر مطالعات سیاسی دانشگاه صنعتی شریف. <bionvan.com/1383>
- ۱۸- ریچاردز، هیوئر (۱۳۸۰)، *دشمن چگونه می‌اندیشد*، روان‌شناسی تحلیل اطلاعات، علیرضا فرشچی و احمدرضا تقاء، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- ۱۹- ساغروانیان، سیدجلیل (۱۳۶۹)، *فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی*، مشهد، نما.
- ۲۰- سروی، آلفرد (۱۳۷۵)، *افکار عمومی و اثر آن در زندگی اجتماعی*، ترجمه جمال شمیرانی، تهران، مرکز.
- ۲۱- شالیت، بن (۱۳۷۳)، *روان‌شناسی رزم و درگیری*، تهران، صریر.
- ۲۲- شریعتی، قاسم (۱۳۸۱)، «جنگ روانی آمریکا و متحدینش علیه عراق»، ایران خبر. <irankhabar.com/2003>

7. Muller , Claus , (1976) The Politics of Communication , New York , Oxford University Press.
8. Noam Chomsky , (1977) Language and Responsibility , New York , Pantheon Books.
<<http://www.co.uk/Articles,Jessica,7/5/2003>>
9. Watt,Nicholas & McCarthy,Rory,(6/4/2003),Language of war, New York Times
.
http://dpingles.ugr.es/lies/language_war.htm